

Identifying Participatory Governance Methods and its Socio-cultural Tools Using Content Analysis Approach

Seyed Mohsen Mirbagheri

Ph.D. in Management of Technology (MOT)-Iran University of Science & Technology (IUST), Tehran, Iran.

seyyedmohsen.mirbagheri@yahoo.com

Abstract

Participatory governance is one of the successful approaches in public management and community administration. This approach reduces many challenges and problems in society and leads to an increase in social capital. To solve complex and multi-layered social issues and problems, successful governments work hard to improve public participation. But sometimes the lack of knowledge of effective methods and tools in this approach makes it not optimally used. In this article, the methods and tools of participatory governance in the socio-cultural field are examined. The method of this research is content analysis and using this method, data has been collected and checked with the help of library and internet sources, and then, by analyzing the collected data, the methods and tools of participatory governance have been extracted. In the following, with the help of 32 experts and academic and organizational experts in this field, the desired components have been identified with 17 indicators and in two main categories of methods and tools. The findings show that 8 methods of voting, surveying and polling, consultation, collective decision-making, production of common literature, networking and team building, information sharing, and collective work are among the most important methods of implementing participatory governance and 9 tools such as social media, social innovators, voluntary groups, a system of criticisms and suggestions, virtual platforms, educational texts, art, commanding good and forbidding evil and holding meetings are among the most important social and cultural tools of participatory governance in the country.

Keywords: participatory governance, social and cultural institutions, methods and tools, content analysis.

شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا

سید محسن میرباقری

دکتری مدیریت تکنولوژی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

seyyedmohsen.mirbaghery@yahoo.com

چکیده

حکمرانی مشارکتی یکی از رویکردهای موفق در مدیریت عمومی و اداره جامعه است. این رویکرد بسیاری از چالش‌ها و معضلات جامعه را کاهش می‌دهد و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. برای حل مسائل و معضله‌های پیچیده و چندلایه اجتماعی، دولت‌های موفق سخت تلاش می‌کنند تا مشارکت مردم را بهبود بخشند؛ اما گاهی اوقات عدم شناخت روش‌ها و ابزارهای مؤثر در این رویکرد، باعث می‌شود که استفاده بهینه از رویکرد حکمرانی مشارکتی صورت نگیرد. در این مقاله روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی در حوزه اجتماعی فرهنگی بررسی می‌شوند. روش این پژوهش، تحلیل محتواست و با استفاده از این روش ابتدا داده‌ها با کمک منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی جمع‌آوری و بررسی شده است و سپس، با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی استخراج شده است. در ادامه، با کمک ۳۲ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران دانشگاهی و سازمانی این حوزه، مؤلفه‌های موردنظر با ۱۸ شاخص و در دو مقوله اصلی روش‌ها و ابزارها شناسایی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، ۸ روش رأی‌گیری، نظرسنجی و افکارسنجی، مشورت، تصمیم‌گیری جمعی، تولید ادبیات مشترک، شبکه‌سازی و تیم‌سازی، اشتراک اطلاعات و کار جمعی از مهم‌ترین روش‌های پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی بوده و ۱۰ ابزار از قبیل: رسانه‌های اجتماعی، نوآوران اجتماعی، گروه‌های جهادی، سامانه انتقادات و پیشنهادها، پلتفرم‌های مجازی، متون آموزشی، هنر، امر به معروف و نهی از منکر، بازی وارسازی و تشکیل جلسه از مهم‌ترین ابزارهای اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی در کشور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حکمرانی مشارکتی، نهادهای اجتماعی فرهنگی، روش‌ها و ابزارها، تحلیل محتوا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۷، تابستان ۱۴۰۲، صص ۴۸۳-۵۲۶

مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی اعمال اقتدار از طریق سنت‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی به‌منظور تأمین منافع عامه است. حکمرانی به نهادهای و افرادی می‌پردازد که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها نقش دارند (رضایی‌زاده، ۱۴۰۰). مشارکت در مناسبات حکمرانی یا حکمرانی مشارکتی اخیراً به‌طور گسترده‌ای در صحنه حکمرانی ظاهر شده است. حکمرانی مشارکتی روشی برای مقابله با طیف وسیعی از مشکلات و تعارض‌هاست که در آن افراد به‌طور مرتب با مذاکره با یکدیگر و تصمیم‌گیری جمعی، به تصمیم‌های رضایت‌بخش و قانع‌کننده می‌رسند (Schmitter & et al., 2002).

در جهان امروز مشارکت گسترده مردم در تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی یکی از الزام‌های دستیابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌رود. به این معنا که داشتن برنامه مناسب و منابع کافی گرچه از نیازهای رسیدن به توسعه پایدار است؛ اما بدون وجود یک عزم قوی و مشارکت فراگیر در پیشبرد امور، جامعه را در نیل به اهداف طراحی شده با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد (گنجی؛ نیازی و احسانی‌راد، ۱۳۹۴).

روش‌ها و ابزارهای حکمرانی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ابزارهای سخت و ابزارهای نرم. ابزارهای سخت یا ابزارهای سنتی معمولاً از جنس قانون، قوه قهریه و الزام‌های قضایی‌اند و به شکل سلسله‌مراتبی و از بالا به پایین^۱ هستند؛ اما در مقابل ابزارهای نرم معمولاً به‌صورت پایین به بالا^۲ می‌باشند و اثربخشی بسیار بیشتری را از خود نشان داده‌اند. روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی در دسته دوم قرار می‌گیرند. بررسی‌ها نشان می‌دهد قانون‌گذاری در حوزه اجتماعی و فرهنگی به دلیل تعامل آن با تک‌تک افراد جامعه پیچیدگی زیادی دارد و به‌همین دلیل ابزارهای نرم از کارایی بیشتری برخوردار است. از طرفی، مشارکت مردم ظرفیت زیادی را برای حل و مدیریت مسائل اجتماعی چالش‌برانگیز ایجاد می‌کنند که اغلب بر منازعات و سوء تفاهم‌های طولانی‌مدت غلبه می‌کنند و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد (Po & Hickey, 2020; Dionne & et al., 2019).

1. Top-Down
2. Bottom-up



به‌رغم دستاوردهای بسیار زیادی که حکمرانی مشارکتی برای هر کشور و جامعه‌ای دارد، پژوهشگر تاکنون مقاله‌ای که بتواند روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی را به‌صورت یکپارچه شناسایی و معرفی کند (به‌خصوص در حوزه‌های اجتماعی فرهنگی) نیافته است. این مقاله سعی می‌کند این شکاف پژوهش را پر نماید و به بررسی چرایی و چگونگی پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی با تأکید بر ابزارهای اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی بپردازد.

این مقاله از دو جهت اهمیت پیدا می‌کند یکی اینکه دولتمردان در سالیان اخیر به موضوع حکمرانی مردمی و مشارکتی توجه مضاعفی داشته‌اند و به اجرای این روش حکمرانی در کشور علاقه نشان داده‌اند. به‌همین دلیل انجام پژوهش‌هایی که بتواند ابعاد این رویکرد از حکمرانی را روشن نماید و برای اجرای این رویکرد انگیزه ایجاد کند، ضروری به‌نظر می‌رسد. دو اینکه، مشارکت از مباحث اساسی توسعه است که زمینه رشد و تعالی آن از فرهنگ هر اجتماع برمی‌خیزد؛ زیرا اگر فرهنگ مشارکت در جامعه ایجاد نشود، ممکن است این موضوع به‌خوبی پیاده نشود و دلسردی ایجاد کند (گنجی؛ نیازی و احسانی‌راد، ۱۳۹۴). به‌همین دلیل، این مقاله با جمع‌آوری ادبیات موضوع و تحلیل محتوای آنها و همچنین مصاحبه با خبرگان، روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی شناسایی می‌شوند که قابلیت استفاده در کشور را با توجه به دو ویژگی نظام حاکم بر کشور ایران یعنی جمهوریت و اسلامیت دارند و می‌توانند باعث تقویت آن شوند.

۱. هدف و سؤال‌های پژوهش

۱-۱. هدف پژوهش

هدف این مقاله شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن است.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- روش‌های پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی در کشور چیست؟
- ۲- از چه ابزارهای اجتماعی فرهنگی می‌توان برای ارتقاء مشارکت مردم در حکمرانی استفاده کرد؟



۲. پیشینه پژوهش

۱- قربانی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان سرایان، استان خراسان جنوبی)» به ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی برون‌گروهی پرداخته‌اند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که میزان اعتماد و مشارکت و به‌نوعی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی در هر چهار منطقه روند افزایشی بعد از اجرای طرح داشته است که نشانگر تأثیر مثبت مشارکت بر ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌باشد (قربانی و دیگران، ۱۳۹۷).

۲- زندرسوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان» به شناسایی مقوله‌های مرتبط با درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب پرداخته است. مقوله‌های شناسایی شده در این مقاله عبارت‌اند از: درخواست انصاف، درخواست مشارکت، ادراک تغییرات اقلیمی، درخواست پاسخگویی و بینش مشارکت‌جو (زندرسوی و دیگران، ۱۳۹۷).

۳- محمدی و دانایی‌فرد (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی» مدلی در خصوص توسعه مشارکتی و با رویکرد نهادی در ایران طراحی کرده است. در این مدل برای تقویت مشارکت و رسیدن به نتایج مطلوب، به حل تعارض‌ها، اعتمادسازی و ایجاد تعهد میان نقش‌آفرینان پرداخته است. در مدل طراحی شده نهادهای شناختی، هنجاری و رسمی به‌طور همزمان به‌عنوان عامل پیشرفت و عامل توقف در توسعه مشارکت معرفی شده است. در این مقاله بیان شده است که دولت با وضع قوانین تشویقی و تضمینی نقش مهمی را در ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری ایفا می‌کند؛ اما برخی از موانع نهادی هنجاری و شناختی، مانند تضاد منافع، عدم تعهد دولتمردان و عدم اعتماد بخش خصوصی موجب کاهش سرعت توسعه می‌شود (محمدی و دانایی‌فرد، ۱۳۹۹).

۴- قربانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در راستای استقرار حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد

مطالعه: شهرستان ابرکوه، استان یزد)»، میزان سرمایه اجتماعی درون گروهی را بررسی کرده است. این بررسی در اجرای یک طرح اجتماع‌محور در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرا در شبکه ذی‌نفعان محلی انجام شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که تراکم در پیوند اعتماد و مشارکت به میزان محسوسی افزایش پیدا کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی درون گروهی شبکه نیز با اجرای مشارکت، افزایش یافته است (قربانی و دیگران، ۱۳۹۸).

۵- شیرعلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی»، بیان می‌کند بدنه اصلی مردمی‌سازی حکمرانی بازشدن ساختار نهادهای حاکمیتی به مشارکت مردمی، جامعه مدنی محلی و جنبش‌های اجتماعی است که از طریق نوعی حکمرانی مشارکتی، سیاست‌های محلی - ملی به‌درستی تدوین شده و فضاهای حیاتی جامعه در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، آموزش حفاظت می‌شوند. نویسنده بیان می‌کند که مردمی‌سازی حکمرانی وابسته به حزب و گروه خاصی نیست بلکه نوعی تعمیق مردم‌سالاری با رویکرد اجماع عمومی در تمامی عرصه‌های کنش اجتماعی - سیاسی و اقتصادی است (شیرعلی، ۱۴۰۰).

۶- آزادی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مناسب حکمرانی مشارکتی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مدیریت بحران شیوع بیماری‌های نوظهور» به شناسایی ۶۰ شاخص در قالب ۱۰ عامل به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر حکمرانی مشارکتی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور در مدیریت بحران شیوع بیماری‌های نوظهور پرداخته‌اند. این ۱۰ عامل عبارت‌اند از: تعامل راهبردی، اعتمادسازی، مهارت‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌ها، پایداری چرخه مشارکت، پاسخگویی، بازیگران ائتلاف، دوراندیشی راهبردی، مدیریت مشارکت و تفکر راهبردی کارآفرینانه (آزادی و دیگران، ۱۴۰۱).

۷- هیرش و شولمن (۱۹۷۶)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی مشارکتی: الگویی برای تصمیم‌گیری مشترک» بیان می‌کند که مشارکت در تصمیم‌گیری سازمانی به‌عنوان مسئولیتی تلقی می‌شود که باید توسط متصدیانی که خدمات مستقیم را ارائه می‌دهند، انجام شود. نویسندگان این مقاله مقدمات و ساختارهای تسهیل‌کننده و همچنین موانع و پاداش‌ها را در زمینه تصمیم‌گیری مشارکتی ارائه می‌دهند (HIRSCH & SHULMAN, 1976).

۸- هورسلی (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «مشارکت عمومی در جمهوری خلق:

توسعه یک الگوی حکمرانی مشارکتی بیشتر در چین» بیان می‌کند که با توجه به افزایش حوادث و اعتراض‌های مدنی در چین، رهبران محلی اغلب برای سرکوب انتقاد و اعتراض به زور متوسل می‌شوند؛ اما رهبری مرکزی متوجه می‌شود که مدل حکمرانی آنها باید تغییر کند تا به مسائل اساسی که باعث ناآرامی‌های اجتماعی می‌شوند و دستیابی به یک «جامعه هماهنگ‌تر» بهتر رسیدگی کنند. در این مقاله حکمرانی مشارکتی بهترین روش برای تقویت انسجام ملی و افزایش سرمایه اجتماعی بیان شده است (Horsley, 2009).

۹- واحدزمان و دیگران (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «آمادگی بوروکراتیک در مدیریت حکمرانی مشارکتی در سطح محلی: زمینه کشور در حال توسعه» آمادگی سلسله‌مراتبی برای حکمرانی مشارکتی در بنگلادش را ارزیابی می‌کند. در این مقاله بیان شده است که می‌توان آمادگی را از نظر عوامل انگیزشی و آموزشی طبقه‌بندی کرد (Waheduzzaman & et al., 2018).

۱۰- فورد (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی مشارکتی در ایرلند: نوآوری نهادی و تلاش برای تفکر مشترک» به نقد تکامل و عملکرد حکمرانی مشارکتی محلی در ایرلند می‌پردازد. این مقاله استدلال می‌کند که برای مؤثر بودن، حکمرانی مشارکتی نیازمند فرایندهای مشارکتی قوی و فراگیر در تمام سطوح دولت، یک مبنای ایدئولوژیک و سیاستی روشن، یک برنامه منسجم و درنهایت پایه‌های نهادی‌پذیرا است (Forde, 2020).

۱۱- کریک (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های حکومتداری مشارکتی در دموکراسی دانش - پیوند»، با تمرکز بر مفهوم مشارکت، ابتدا معیارهای کیفی تخصص و مشارکت را شناسایی می‌کند و سپس ساختارهای بسیار پیچیده و چندلایه از مشورت و مشاوره در مورد سیاست‌هایی که گروه‌های متخصص را با طیف وسیعی از اطلاعات ورودی عمومی ترکیب می‌کند و همچنین مشارکت کارشناسان غیرمتخصص در سیاست‌گذاری از طریق شیوه‌های مشارکتی دانش مانند مشارکت کاربران خدمات یا علم شهروندی در کانون توجه قرار می‌دهد (Krick, 2022).

۱۲- باسو و دیگران (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی» چالش‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی را بررسی می‌کنند. آنها در این مقاله به این موضوع می‌پردازند که چه اتفاقی می‌افتد وقتی جنبش‌های اجتماعی فرصت‌هایی برای شکل دادن به نهادینه‌سازی فرایندهای حکمرانی

مشارکتی دارند و آیا آنها می‌توانند از ظرفیت مشارکت شهروندان برای تحول اجتماعی استفاده کرد؟ و اساساً چگونه می‌توان تنش بین خواسته‌های مختلف شهروندان عادی، جامعه مدنی سازمان‌یافته، احزاب سیاسی و مقام‌های دولتی را مدیریت کرد (Bussu & et al., 2022).

همان‌طور که در پیشینه توضیح داده شد، با جستجوهای که پژوهشگر انجام داده است، تمام مقاله‌هایی که به موضوع حکمرانی مشارکتی پرداخته‌اند به بررسی تأثیر حکمرانی مشارکتی در ساحات اجتماعی و سیاسی و دستاوردهای آن پرداخته‌اند. این بررسی در قالب تعیین نوع و میزان شدت ارتباط بین حکمرانی مشارکتی با شاخص‌های اجتماعی و سیاسی از قبیل: عدالت، حل تعارض‌ها، اعتمادسازی، ایجاد تعهد، پیشرفت و... انجام شده است. با شفاف شدن دستاوردهای حکمرانی مشارکتی، همچنان این شکاف وجود دارد که برای ایجاد مشارکت در حوزه‌های مختلف از چه روش‌هایی باید استفاده کرد و در مرحله بعد برای اجرایی شدن این روش‌ها، از چه ابزارهایی باید کمک گرفت؟ این مقاله این خلأ پژوهشی را پر می‌کند و سعی دارد که روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن‌را جهت پشتیبانی از آن، به صورت یکپارچه معرفی کند. تعیین ارتباط این روش‌ها و ابزارها حکمرانی مشارکتی متناسب با زیست‌بوم حکمرانی کشور، مهم‌ترین نوآوری است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

۳. ملاحظه‌های نظری

۳-۱. حکمرانی مشارکتی

در اواخر قرن بیستم، «مشارکت» به یک کلمه رایج در سراسر علوم اجتماعی و سیاسی تبدیل شد. مشارکت تقریباً در فهرست راه‌حل‌های همه افراد برای معضله‌های اجتماعی ظاهر شد و اگر حکمرانی بیش از حد بالا به پایین بود، رویکرد مشارکتی نوید گسترش مسیرهای ارتباطی بین مقام‌های دولتی و شهروندان را می‌داد (Altschuler & Corrales, 2013). امروزه مشارکت یکی از عناصر مهم توسعه پایدار به شمار می‌رود و مدیران و برنامه ریزان توانمند شهری، همواره سعی می‌کنند تا با جلب مشارکت مردمی به اهداف خود در زمینه اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها به بهترین نحو، نائل آیند (گنجی؛ نیازی و احسانی‌راد، ۱۳۹۴).

منظور از حکمرانی مشارکتی، به کارگیری مردم در ارکان مختلف حکمرانی اعم از

سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری، خدمات عمومی، نظارت و ارائه بازخورد است. حکمرانی مشارکتی نوعی از حکمرانی است که نقش‌آفرینان از سازمان‌های حکومتی، دولتی یا حوزه‌های خصوصی و اجتماعی در یک مسیر معین، سازنده و رو به جلو همکاری می‌کنند. تاکنون چندین مدل برای تعریف حکمرانی مشارکتی ارائه شده است که هر کدام از این مدل‌ها به تحلیل و بررسی فرایند مشارکت در ارائه خدمات عمومی پرداخته‌اند (Mohammadi & Danaeefard, 2019). فیلیپ اشمیتز^۱ در تعریف حکمرانی مشارکتی آورده است: «حکمرانی مشارکتی، حضور منظم و تضمین شده هنگام تصمیم‌گیری آن دسته از گروه‌هایی است که تحت تأثیر سیاست اتخاذ شده قرار می‌گیرند» (Camba, 2014).

در دهه‌های اخیر، بسیاری از کشورها از مشارکت به‌عنوان یک ابتکار توسعه برای اصلاح بخش‌های مختلف خود استفاده کرده‌اند (Sadeghi & et al., 2020). دولت‌ها برای جبران محدودیت منابع بودجه‌ای در تأمین مالی طرح‌های بزرگ، تمام تلاش خود را در بهره‌گیری از مشارکت فعال بخش‌های خصوصی و تعاونی به کار می‌گیرند که این تلاش‌ها در قالب مشارکت‌های عمومی - خصوصی نمود پیدا می‌کند و موجب تسریع در روند توسعه اقتصادی کشورها می‌شود (Bashar & et al., 2021). در یکی از تعاریف نسبتاً مشهور مشارکت عمومی - خصوصی، آن را به‌عنوان روشی برای تدارک بهتر طرح‌های عمومی از طریق مشارکت دادن تخصص، کارایی، نوآوری، دید تجاری، تسهیم خطر و تأمین مالی بخش خصوصی تعریف کرده است. استفاده از روش مشارکت در توسعه طرح‌های زیربنایی و ابعاد گسترده آن حائز اهمیت است (Jokar & et al., 2021) و به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه بسیار کمک‌کننده است (Chileshe & et al., 2020).

در ایجاد مشارکت، نقش نهادهای واسطه (میانجی) نیز بسیار مهم است. این نهادها به‌عنوان بازیگرانی شناخته می‌شود که می‌توانند فضا و فرصت‌هایی را ایجاد کنند تا دیگر بازیگرانی که به‌عنوان توسعه‌دهنده یا مصرف‌کننده شناخته می‌شوند، بتوانند با دسترسی مناسب‌تر خدماتی را ارائه دهند و یا محصولی را تولید نمایند. کارکردهای نهادهای میانجی می‌تواند در سطح خرد، با رویکرد خدمت‌دهی به سازمان‌ها یا شبکه‌ای از شرکت‌ها مطرح شده و یا در یک نگاه کلانتر و در سطح ملی، یکپارچگی در پاسخگویی به مسائل پیچیده کسب و کارها، دولت یا بازیگران اجتماعی

1. Philippe Schmitter

مورد توجه قرار می‌گیرد. در این سطح، از نهادهای میانجی به‌عنوان یک ابزار سیستمی یاد می‌شود. برخی فعالیت‌های این میانجی‌گرها عبارت‌اند از: کمک به فراهم‌سازی اطلاعات درباره همکاران بالقوه، وساطت برای نقل‌وانتقال بین دو یا چند طرف، انجام کار واسطه‌گری بین سازمان‌ها و بدنه‌هایی که با یکدیگر همکاری دارند و کمک به یافتن آگاهی، تأمین مالی و پشتیبانی برای رسیدن به نقطه مطلوب (Am, 2013). نهادهای واسط می‌توانند در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی به حکمرانی کمک کنند.

حکمرانی مشارکتی به‌طور گسترده به‌عنوان فرایندها و ساختارهای تصمیم‌گیری و مدیریت خط‌مشی عمومی است که مردم را به‌طور سازنده در همه سازمان‌های دولتی، سطوح دولتی و یا حوزه‌های عمومی، خصوصی و مدنی درگیر می‌کند تا یک هدف عمومی را انجام دهد که در غیراین صورت نمی‌توان آن را انجام داد (Latif, 2018). دیدگاه حکمرانی مشارکتی در تصمیم‌گیری، اجرا و مدیریت وجود دارد. نظریه حکمرانی مشارکتی یک راهبرد مؤثر در حل مشکلات لاینحل یا حل مشکلاتی که راه‌حل مناسبی ندارد، است. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی مشارکتی استدلال کردند که پیچیدگی و عدم قطعیتی که به‌عنوان یک مشکل پیچیده توصیف می‌شود، در صورتی برطرف می‌شود که از طریق مشارکت طرف‌های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در حل مشکل هستند، حل شود. در حکمرانی مشارکتی بر تلاش‌ها برای متحد کردن اهداف متنوع تعدادی از منافع ذی‌نفعان از فعالان بخش دولتی، خصوصی و مردم به یک هدف واحد، از جمله سیاست‌گذاری، اجرای خط‌مشی، یا هماهنگی در سازماندهی وظایف خدمات عمومی تأکید می‌شود (Halim, 2018).

حکمرانی مشارکتی می‌تواند به‌عنوان رویکردی برای دستیابی به توافق قابل قبول‌تر، غنی‌تر و پایدارتر بین نهادهای حکمرانی و مردم دیده شود. بسیاری از کارشناسان در زمینه حکمرانی مشارکتی استدلال می‌کنند که پیچیدگی و عدم قطعیتی که به‌عنوان یک مشکل سخت در تصمیم‌ها توصیف می‌شود، در صورتی حل می‌شود که از طریق مشارکت طرف‌های مختلف که مستقیماً مسئول و تأثیرگذار در مشکل هستند، حل شود. حکمرانی مشارکتی این فرایند را از طریق تصمیم‌گیری جمعی تسهیل می‌کند (Halim, 2018). حکمرانی مشارکتی توسط بسیاری از پژوهشگران به‌عنوان راهی بالقوه برای افزایش بهره‌وری (Emerson & Nabatchi, 2015) و از بین بردن تصور بیگانگی در رأی‌دهندگان و احساس سرخوردگی از روند سیاسی معرفی می‌شود و گفته می‌شود از مشارکت دادن شهروندان در تصمیم‌هایی که زندگی آنها را به شیوه‌ای معنادار تحت

تأثیر قرار می‌دهد، حمایت می‌کنند. البته گفتنی است، حامیان حکمرانی مشارکتی از مردم‌سالاری نماینده‌محور انتقاد می‌کنند، چراکه این نوع از مردم‌سالاری را بیش‌ازحد بر عمل رأی‌گیری متمرکز می‌دانند (Batory & Svensson, 2019).

حکمرانی مشارکتی در کشورهای در حال توسعه به‌طور گسترده به‌عنوان یک پیش‌نیاز اساسی برای اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌های عمومی تلقی می‌شود (Waheduzzaman & et al., 2018). حکمرانی مشارکتی به‌دنبال مشارکت و همکاری اکثر ذی‌نفعان (مردم و نهادهای حکمرانی) در فرایند حکمرانی است و دارای سه ویژگی اختیاری بودن، آگاهانه بودن و هدفمند بودن است. در خصوص ویژگی هدفمند بودن مشارکت باید گفت که طیف متنوعی از اهداف در نظر ذی‌نفعان می‌تواند منجر به ایجاد انگیزه برای مشارکت آنها شود.

۳-۲. نهادهای اجتماعی و فرهنگی

نهادهای اجتماعی نهادهایی که از بطن مردم تشکیل شده‌اند و مسئول رسیدگی به امور مختلف مردم هستند؛ مانند شوراهای، انجمن‌ها، تشکلهای، ائتلاف‌ها و... تشکیل مجالس و شوراهای می‌تواند کمک بسیاری به نظام‌مند کردن مشارکت مردمی در ارکان حکمرانی نماید. زیرا اعضای این مجالس و شوراهای را نمایندگان مردم، اتحادیه‌ها و اصناف شکل می‌دهد که هر کدام از آنها می‌توانند افکار قشر زیادی از مردم را بیان کند و نظر آنان را در خصوص سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها مطرح نماید (دهقانی؛ شکرانی و نقشینه ارجمند، ۱۳۹۰).

طبق اصل هفتم قانون اساسی و به دستور قرآن کریم: «شاورُهُمْ فِي الْأُمْرِ» و «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»، مجلس شورای اسلامی، شوراهای استان‌ها، شورای حل اختلاف، بهزیستی و نظایر این‌ها از ارکان اداره امور کشور و تصمیم‌گیری هستند. به نظر می‌رسد، مجلس شورای اسلامی که به موجب اصل ۵۷ قانون اساسی، یکی از قوای سه‌گانه حاکم در جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، یکی از مهم‌ترین شوراهایی است که نقش مستقیمی در حکمرانی کشور ایفا می‌کند و رسالت‌های مهمی همچون قانون‌گذاری، تفسیر قوانین عادی و صلاحیت‌های نظارتی را بر عهده دارد (داودی؛ بخشایش اردستانی و عربیان، ۱۳۹۸).

مهم‌ترین نهادهای فرهنگی در کشور نیز هیئت‌ها و تشکلهای مذهبی، حوزه‌های علمیه و بسیج هستند که می‌توانند نقش مهمی در جاری کردن فرهنگ کار جمعی در کشور ایفا نمایند که در ادامه به توضیح هر کدام از آنها پرداخته



خواهد شد:

هیأت‌ها و تشکل‌های مذهبی همواره نقش برجسته‌ای در پیروزی انقلاب و بعد از آن در تداوم و حفظ انقلاب داشته‌اند. مراسم مذهبی، کلاس قرآن و احکام و یادواره‌های شهدا و ... جایگاه والایی در تقویم مذهبی تشیع و هویت ملی ما پیدا کرده است. هیئت‌های مذهبی و تأثیرهای فرهنگی آنها پیشینه‌ای تاریخی دارد و در سراسر حوزه تمدنی فرهنگی ایران نمونه‌هایی از آن مشاهده می‌شود (تسلیمی؛ امین و حسن‌زاده، ۱۳۹۴). این‌گونه تشکل‌ها ظرفیت بالقوه زیادی در تحریک مردم و بسیج آنها برای مبارزه با طواغیت در طول تاریخ بوده است. هیئت‌های مذهبی با توجه به سابقه طولانی آن، بعد از انقلاب اسلامی کارکردهای زیادی در مسائل فرهنگی اجتماعی پیدا کرده است. مردم در این تشکل‌ها همواره مشارکت داشته‌اند و توانسته بسیاری از معضلات اجتماعی و فرهنگی را در آنها حل کنند (غفاری هاشجین؛ مرشدی‌زاد و خدادادی، ۱۳۹۱).

کلمه حوزه یا حوزه‌های علمیه، اصطلاحی رایج در نزد شیعیان به شمار می‌آید که به معنای مرکز تحصیل علوم دینی و به اصطلاح، دانشگاهی برای آموزش و فراگیری علوم دینی است که با در اختیار داشتن گنجینه به یادگار مانده از خاندان نبوت و عترت، فرهنگ بی‌نظیری را در تمام زمینه‌های علمی، اجتماعی و سیاسی، از خود به یادگار گذاشته است. حوزه علمیه به‌عنوان یکی از کنشگران مهم در نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر مبانی اسلامی شکل گرفته است، از جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ‌سازی، ایجاد مشارکت مردمی و تقویت ارکان نظام اسلامی برخوردار است (هاشمیان و مولایی آرانی، ۱۳۹۴). بخش اعظم پیروزی‌ها و موفقیت‌های دوران دفاع مقدس، مرهون مؤلفه‌ها و آموزه‌هایی است که توسط ولی فقیه، مراجع عظام و روحانیت شناسایی و تبیین می‌شد. بدیهی است نقش حوزه‌ها می‌تواند در جنگ احتمالی آینده مؤثرتر از گذشته باشد (آقای فیروزآبادی و دهقان ده‌جمالی، ۱۳۹۸). بسیج مستضعفین به ابتکار امام (رحمت‌الله‌علیه) در ۵ آذر ۱۳۵۸ تشکیل شد تاکنون توانسته خدمات شایانی به حکمرانی در عرصه‌های مختلف کند. مقام معظم رهبری (مدظله) در خصوص تشکیل بسیج می‌فرمایند: «بسیج یکی از آن پدیده‌های شگفت‌آور دوران انقلاب بود؛ امام بزرگوار از طرف پروردگار ملهم شد به اینکه این اقدام را بکند؛ بسیج بیست میلیونی که ایشان اعلان کردند و سازمان بسیج که تشکیل شد، خیلی کار بزرگی بود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان، ۱۳۹۵). ایشان در تعریف بسیج می‌فرمایند: «بسیج یعنی نیروی کارآمد کشور برای



همه میدان‌ها» (بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان، ۱۳۷۷/۹/۲). بسیج سازمانی است مردمی، فراگیر، منعطف و گسترده در ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تحت امر فرماندهی کل قوا که به‌منظور جذب، آموزش و سازماندهی، حفظ انسجام و تجهیز و به‌کارگیری آحاد مردم در عرصه‌های مختلف مورد نیاز کشور اعم از نظامی، امنیتی، فرهنگی، امدادی و... در جهت دفاع همه‌جانبه از منافع و ارزش‌های اسلامی ایجاد شده است (طوسی و مهری، ۱۳۹۰). بسیج نماد عینی و سازمان یافته مشارکت آحاد مردم در صحنه‌های متفاوت حکمرانی و در دفاع از کشور است و به‌همین دلیل توانسته است الگوی موفقی برای سایر نهادهای مردمی باشد و بتواند برای کشور بازدارندگی ایجاد کند و در کانون راهبرد دفاعی کشور قرار گیرد (زهدی، کلانتری و محرابی، ۱۳۹۴).

با توجه به مطالب بیان شده، مشخص شد که حکمرانی مشارکتی دارای دستاوردهای بسیاری در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. از جمله این دستاوردها، کاهش تعارض‌های اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش عدالت، افزایش انسجام، افزایش یادگیری، امکان کسب منابع و مهارت‌های جدید، ایجاد فرصت‌های جدید خلاقیت و نوآوری و درنهایت، افزایش پیشرفت در جامعه است. دستاوردهای زیاد این رویکرد باعث علاقه‌مندی مسئولان به اجرای این رویکرد شده است؛ اما در برخی از اوقات عدم فهم دقیق حکمرانی مشارکتی و مهم‌تر از آن عدم شناخت ابزارهای پیاده‌سازی آن باعث می‌شود که این مفاهیم به عمل منتهی نشود. به نظر می‌رسد معرفی روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی می‌تواند به عملیاتی کردن این رویکرد کمک زیادی نماید.

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی، ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن است. زیرا می‌تواند به مرور باعث تغییر سبک زندگی افراد جامعه از فردی به سمت جمعی و مشارکتی شود. با مرور ادبیات در این حوزه مشخص شد که نهادهای اجتماعی فرهنگی مهمی در کشور هستند که می‌توانند در این تغییر نقش مهمی ایفا کنند، مانند: شوراها، انجمن‌ها، تشکلات، هیأت‌ها و تشکلات مذهبی، حوزه‌های علمیه و بسیج. در ادامه به شناسایی ابزارهایی پرداخته می‌شود که می‌توانند به کمک این نهادها بیایند و در ترویج حکمرانی مشارکتی مؤثر باشند.

۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، از نوع



توصیفی است. روش پژوهش این مقاله کیفی بوده و از نوع تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا روش رایجی است که در بسیاری از پژوهش‌های کیفی و کمی از آن استفاده می‌شود. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه‌های معینی در یک متن و یا مجموعه‌ای از متون استفاده می‌شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌دانند. متن می‌تواند شامل کتاب، فصل یا فصل‌هایی از یک کتاب، نوشته‌ها، مصاحبه، گفتگو، مقال‌ها و اسناد تاریخی باشد. پژوهشگر با استفاده از تحلیل محتوا وجود مفهوم و ارتباط بین واژه‌ها و یا مفاهیم را تحلیل کرده و درباره پیام‌های موجود در متن، نویسنده آن، مخاطب و حتی فرهنگ و دوره زمانی اثر نتیجه‌گیری می‌نماید (ضیغمی و دیگران، ۱۳۸۷).

در این روش مضامین پنهان در متن و محتوای منابع ابتدا شناسایی و استخراج می‌شود و سپس مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ اما پژوهشگر متغیرها را تغییر، دستکاری و یا کنترل نمی‌کند و تنها به تعریف و توصیف متون و متغیرها می‌پردازد. اساس کار در تحلیل محتوا مقایسه و طبقه‌بندی متون و داده‌هاست (حبیبی و فتاحی‌زاده، ۱۴۰۰). این روش یک فرایند ذهنی است که در آن روابط مفهومی بین متغیرها و مضامین را شناسایی می‌کند (رضائی؛ امامی‌جمعه و بیدهندی، ۱۳۹۶). در تحلیل کیفی محتوا از نوع طبقه‌بندی، پژوهشگر با ارائه و مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع به تحقیق، به مطالعه متون تعیین شده می‌پردازد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین شده و متن‌های مورد تحلیل به داوری درباره عدم وجود یا وجود مصادیق آن تعریف متن‌های مورد نظر می‌پردازد (عامری شهرابی و کاووسی، ۱۳۹۵؛ Lateef & et al., 2022). مهم‌ترین مراحل اساسی که در روش تحلیل محتوا طی می‌شود و در این پژوهش نیز به کار رفته است، عبارت‌اند از (علی‌اکبری و رضائی، ۱۳۹۱؛ فائدی و گلشنی، ۱۳۹۵؛ de Souza Vasconcelos & Júnior, 2023):

مرحله اول: طراحی پژوهش

اولین مرحله پژوهش از نظر عقلانی طراحی پژوهش است. در این مرحله ساختار کلی پژوهش مشخص می‌شود و محقق باید تعیین کند که چه مشکلی وجود دارد که می‌خواهد با انجام این پژوهش آن را حل کند و یا چه هدفی وجود دارد که با انجام این تحقیق می‌خواهد به آن برسد؛ به عنوان مثال به سؤال‌هایی از قبیل: نوع منابع، محل جستجو و ضرورت پژوهش پاسخ داده می‌شود. در مرحله اول پژوهش باید تعیین موضوع پژوهش و محدود شدن آن صورت گیرد. سپس اهداف پژوهش تعیین شده و نمونه آماری مشخص شود (ضیغمی و دیگران، ۱۳۸۷). در این مرحله



می‌بایست سؤال‌های پژوهش به درستی و با دقت طراحی و مطرح شوند. در این پژوهش نیز سعی شده است با جستجو در منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، از کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط جهت دستیابی به هدف پژوهش استفاده شود. هدف اصلی در این مقاله شناسایی روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن است و در همین راستا سؤال‌هایی طراحی شده است. درخصوص ضرورت پژوهش نیز در بخش مقدمه به آن پرداخته شده است.

مرحله دوم: جمع‌آوری داده‌ها

برای اتقان بیشتر یک پژوهش باید از منابع علمی مختلفی بهره گرفت. داده‌های گوناگون امکان تحلیل‌های عمیق و همه‌جانبه از موضوع را برای پژوهشگران فراهم می‌کند. این مسئله در افزایش روایی پژوهش مؤثر خواهد بود و موجب اطمینان بیشتر به خروجی‌های پژوهش خواهد شد. بدین‌وسیله امکان شناسایی مفاهیم و متغیرهای کلیدی در پژوهش فراهم می‌شود. هر چند که ممکن است داده‌های این مرحله در مرحله بعدی تغییر کند و یا حذف شود، ولیکن جمع‌آوری آن برای جهت‌گیری و طراحی الگوی پژوهش الزامی است. در این پژوهش علاوه بر مصاحبه با خبرگان، با جستجوی اینترنتی از منابع فارسی و لاتین (روش اسنادی) جهت جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است که ارتباط مستقیم با هدف پژوهش دارد.

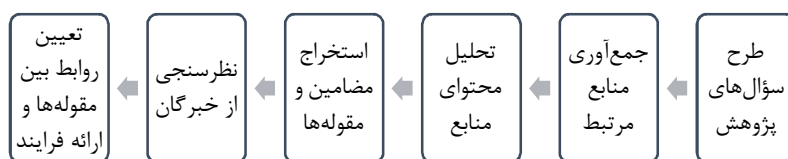
مرحله سوم: تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

به‌منظور یافتن پاسخ سؤال‌های مطرح‌شده در پژوهش، مجموعه‌ای از داده‌های به‌دست‌آمده در منابع مختلف تحلیل می‌شوند. متون مرتبط بر اساس اشتراک لفظی یا معنایی به مجموعه مفاهیم دسته‌بندی می‌شوند تا یک مضمون ایجاد شود. مفهوم از کلیت و جامعیت بیشتری نسبت به مضمون برخوردار است. پس از اینکه مفاهیم استخراج شد، در قالب مقوله (شاخص) تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی بر اساس وجه تشابه، نزدیکی معنایی و اشتراک میان مقوله‌ها صورت می‌گیرد (جعفرزاده؛ قربان‌پور آرانی و زارعی، ۱۴۰۱؛ سلطانی، ۱۳۹۷).

در این پژوهش نیز به‌منظور کشف مسئله محوری «روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن» مجموعه داده‌های به‌دست آمده از منابع بررسی شد و تعاریف تمام شاخص‌های به‌کاررفته در مدل مشخص شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها استقرایی بود. ابتدا با مفروض گرفتن تعاریف مشخصی قبل از شروع پژوهش، به مطالعه متون تعیین شده اقدام شد و با مقایسه تعاریف از پیش تعیین‌شده و متن‌های موردنظر پرداخته شد. در این پژوهش محقق به ۱۸ مضمون و

۲ مقوله رسیده است که قسمت‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

پژوهش حاضر به دلیل ترکیبی بودن از دو روش گردآوری اطلاعات استفاده نمود. در بخش اول پژوهش از طریق روش تحلیل محتوا و بررسی مقاله‌ها و پژوهش‌های مشابه، تلاش شد، روش‌ها و ابزارهای اجتماعی فرهنگی مرتبط با حکمرانی مشارکتی در قالب جدولی (همراه با ارجاعات مستدل)، مضامین و مقوله‌ها آورده شود و سپس این مضامین بر اساس هماهنگی قبلی آن در اختیار اعضای پانل (خبرگان) قرار داده شود. در مرحله بعد نظرات خبرگان اخذ و نکات مدنظر آنان اعمال شود. می‌توان مراحل تحلیل داده‌ها و یافته‌ها را به صورت شکل (۱) نشان داد.



شکل (۱): مراحل تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

لازم به ذکر است نظرات خبرگان بیشتر پیرامون نحوه ارتباط بین شاخص‌ها و دسته‌بندی مضامین و مقوله‌ها بوده است نه حذف شاخص‌هایی که در پژوهش‌های قبلی مؤثر بودن آنها به اثبات رسیده است. گفتنی است، در نظرانی که خبرگان ارائه کرده‌اند، یک روش «تولید ادبیات مشترک» و سه ابزار «رسانه‌های اجتماعی، سامانه انتقاده‌ها و پیشنهادها و سکوه‌های مجازی» به سایر مضامین اضافه شد (خروجی این مصاحبه‌ها در بخش یافته‌ها آورده شده است). البته این مصاحبه‌ها بیشتر نقش اطمینان از شاخص‌های شناسایی شده را داشت. درنهایت با رفت‌وبرگشت زیاد مطالب بین محقق و خبرگان و با کمک منابع مستدل علمی، محقق توانستند روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن را بعد از اشباع نظری، به تفکیک مضامین و مقوله‌ها شناسایی کند.

۴-۱. روش اعتبارسنجی پژوهش

به منظور حصول اطمینان از اعتبار یافته‌های پژوهش و صحت فرایند تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌هایی با ۳۲ نفر از خبرگان در این حوزه (شامل اساتید دانشگاهی و مدیران دولتی) صورت گرفت. برای این منظور، مصاحبه و گفتگوهای اولیه پس از معرفی و ارائه اطلاعات اولیه پژوهشگران، به صورت کاملاً باز و ساختارنیافته انجام گرفت و به مرور با توجه به پاسخ‌های دریافتی، سؤال‌های متناسب دیگری مطرح می‌شد و با

روش گلوله برفی افراد صاحب‌نظر دیگری معرفی می‌شدند. در کنار این موارد، درگیری طولانی‌مدت پژوهشگران با پیشینه پژوهش و شناخت مناسب از متون علمی و فضای مطالعه به اعتبار یافته‌ها کمک کرده است. همچنین، روش پژوهش به کار گرفته شده در این پژوهش روش تحلیل محتواست که در این روش با بررسی و تحلیل اسناد و داده‌ها، مفاهیم جدید به منظور طراحی الگو یا برقراری روابط بین شاخص‌ها و متغیرها ایجاد و تفسیر می‌شود (عظیم‌زاده اردبیلی و افضلی قادی، ۱۳۹۹). این روش یک فرایند علمی نظام‌مند را برای استخراج داده‌ها و تحلیل آنها تعریف می‌کند که از اعتبار بالایی در انتشارات علمی برخوردار است؛ بنابراین برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، اقدام‌های زیر انجام شده است:

الف. پیشینه پژوهش: مفاهیم به دست آمده به‌طور همزمان با پیشینه پژوهش بررسی شد و با منابع مقایسه تطبیقی شد.

ب. روش تحلیل محتوا: اطلاعات جمع‌آوری شده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی تحلیل و تفسیر شده و اصلاحات لازم در داده‌ها صورت گرفت.

پ. نمونه‌گیری: از آنجایی که در پژوهش‌های کیفی، تعمیم‌پذیری یافته‌های مطالعه، دغدغه اصلی پژوهشگر نیست؛ بنابراین به جای استفاده از روش‌های نمونه‌گیری که امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها را فراهم می‌آورند، باید به دنبال انتخاب مشارکت‌کنندگانی بود که دارای توانایی بیان ادراک‌های خود در مورد پدیده موردنظر باشند. به همین دلیل در چنین پژوهش‌هایی معمولاً از نمونه‌گیری هدفمند که نوعی نمونه‌گیری غیراحتمالی است، استفاده می‌شود (مضانخانی و دیگران، ۱۴۰۰).

در این مقاله نیز نمونه‌گیری به صورت هدفمند از بین اساتید و پژوهشگرانی که با موضوع پژوهش آشنا بودند، صورت گرفت. نمونه‌گیری بر اساس قاعده اشباع انجام شد یعنی مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که اطلاعات جدیدی حاصل نشد و مصاحبه‌های جدید داده‌ای را به شاخص‌های قبلی اضافه نکردند (اشباع نظری) (معروفی؛ یوسف‌زاده و میرزایی فر، ۱۳۹۷). حجم نمونه ۳۲ نفر بوده است و اطلاعات مربوط به مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

مؤلفه	نوع	فراوانی	درصد
جنسیت	مذکر	۲۳	۷۲
	مؤنث	۹	۲۸

مؤلفه	نوع	فراوانی	درصد
تحصیلات	کارشناسی	۷	۲۲
	کارشناسی ارشد	۱۴	۴۴
	دکتری	۱۱	۳۴
سن	<۳۰	۳	۹
	۳۰-۴۰	۷	۲۲
	۴۰-۵۰	۱۰	۳۲
	۵۰<	۱۲	۳۷

در هر جلسه مصاحبه، مشارکت‌کننده یک یا دو نفر از افرادی را که می‌توانستند به پربارتر شدن این پژوهش کمک کنند، معرفی می‌کردند. در ادامه نیز، با مراجعه به سایر خبرگان آشنا با این مباحث، نمونه موردنظر به‌دست آمد. گفتنی است که درخواست معرفی نفر بعدی در پایان جلسه مصاحبه مطرح می‌شد و شرکت‌کننده با توجه به آشنا شدن با اهداف پژوهش و نوع پرسش‌ها می‌توانست با دقت بیشتری فرد بعدی را معرفی کند. به این شیوه دستیابی به نمونه‌ها در ادبیات روش‌شناسی، در اصطلاح روش گلوله برفی می‌گویند.

در این مصاحبه‌ها که زمان آنها بین ۱۰ تا ۱۰۰ دقیقه متغیر است، محورهای گفتگو از قبل در اختیار مصاحبه‌شونده قرار گرفت تا بتواند با آمادگی مطلوب در جلسه شرکت کرده، اطلاعات موردنظر را ارائه کند. مصاحبه‌های انجام شده ثبت و هر یک از آنها بلافاصله تحلیل شدند. حجم نمونه در این رویکرد، در حین کار مشخص می‌شود و همان‌طور که گفته شد، نمونه‌گیری آن‌قدر ادامه می‌یابد تا اشباع نظری حاصل شود. لازم به ذکر است، ابتدا روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن توسط تحلیل محتوا استخراج شده است و سپس نظرات مصاحبه‌شوندگان در خصوص مضامین و مقوله‌های استخراج شده و نحوه ارتباط بین آنها، اخذ شده است.

۵. یافته‌ها

این بخش مربوط به استخراج روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی و فرهنگی آن است که از متن مقاله‌ها و کتاب‌های مرتبط به روش تحلیل محتوا استخراج شده‌اند. بدین‌صورت که، پس از مطالعه منابع در دسترس و با تجزیه و تحلیل

مبانی نظری پژوهش و بررسی دیدگاه‌های خبرگان و صاحب‌نظران پیرامون روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی، جمله‌ها و بندهای مرتبط با هدف پژوهش استخراج شد و پس از دسته‌بندی، مضامین و مقوله‌های اصلی بیرون کشیده شد و در آخر ۱۸ شاخص (مضمون)، در دو مقوله روش‌ها و ابزارها استخراج شد.

۵-۱. روش‌های حکمرانی مشارکتی

این یافته‌ها در پاسخ به سؤال اول پژوهش ارائه می‌شود و ۸ روش حکمرانی مشارکتی به شرح زیر شناسایی شده است:

اول. رأی‌گیری

مشارکت در حکمرانی می‌تواند در قالب مشارکت در رأی‌گیری و یا انتخابات نمود می‌یابد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ششم، از ویژگی عمومی بودن رأی سخن گفته است. این اصل، مقرر می‌دارد که در جمهوری اسامی ایران، امور کشور باید به اتکای عمومی، از راه انتخابات اداره شود. همچنین قوانین و مقررات انتخاباتی از جمله ماده ۱۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده ۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و نیز ماده ۱۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، به این خصیصه نیز اشاره می‌کند.

از این‌رو استفاده از روش رأی‌گیری در ارکان حکمرانی عموماً به‌منزله یک مسئله مهم تعیین‌کننده در نظر گرفته می‌شود. روش رأی‌گیری به‌عنوان روشی مبتنی بر خرد جمعی می‌تواند با سهیم کردن همه افراد در تصمیم‌گیری، تصمیم‌های واقع‌بینانه‌تری را مطابق با خواست مردم اتخاذ کند. باید این نکته را متذکر شد که، هر چه تعداد افراد فراگیرتر باشند، ممکن است سوگیری در تصمیم‌گیری کمتر باشد (Van Deemen & Rusinowska, 2010).

هر چند صرف شرکت یا عدم شرکت افراد در انتخابات نیز می‌تواند پیامدها و هشدارهایی را برای حکمرانان به همراه داشته باشد، اما رأی‌گیری منطقی تخمین‌ها و پیش‌بینی‌های خوبی برای تصمیم‌گیری در دنیای واقعی ارائه می‌دهد. حضور رأی‌دهندگان صادق می‌تواند بر نتایج عملکرد حکمرانان تأثیر بگذارد (Xu, 2019). نظریه انتخاب اجتماعی نیز به مسئله اساسی تجمع ترجیحات اعضای جامعه نسبت به تصمیم‌های جمعی توسط سیستم‌های رأی‌گیری می‌پردازد (Laughlin, 2011). البته، حامیان حکمرانی مشارکتی از مردم‌سالاری نماینده‌محور انتقاد می‌کنند، چراکه بیش از حد بر عمل رأی‌گیری متمرکز است (Batory & Svensson, 2019).

دوم. نظرسنجی و افکارسنجی

نظرسنجی و افکارسنجی از روش‌های پیش‌دستانه در حکمرانی مشارکتی محسوب می‌شود. این روش ابزار ارزشمندی برای ارزیابی وضعیت افکار عمومی در هر موضوعی به‌شمار می‌آید. نظرسنجی عبارت است از اجرای اقدام‌ها و تلاش‌های سازمان‌یافته برای نشان دادن عقاید مردم نسبت به یک موضوع، در یک محل خاص و در یک مقطع زمانی معین. در تعریفی دیگر نظرسنجی مجموعه‌ای از اقدام‌های سازمان‌یافته و روش‌مند برای سنجش عقاید عمومی موجود در یک جامعه یا بخشی از آن است که نتایج آن مبین جهت‌گیری ذهنی روانی جامعه باشد. مقوله افکارسنجی نیز به‌دنبال بررسی و تحلیل وضعیت افکار عمومی و استفاده از آن در راستای تصمیم‌گیری برای مقاصد مختلف اقتصادی سیاسی، تجاری، فرهنگی می‌باشد (Roper, 1986).

انواع ابزارهای نظرسنجی عبارت‌اند از: نظرسنجی حضوری، الکترونیکی، پستی، تلفنی (تلفن همراه، تلفن ثابت)، اینترنتی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، پیامک، پست الکترونیکی، پرسشنامه، مصاحبه و پلتفرم‌های نظرسنجی. علاوه بر روش‌های شناختی و تحلیل کیفی، نرم‌افزارهای متعددی نیز وجود دارد که جهت افکارسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش حکمرانان سعی می‌کنند قبل از تصمیم‌گیری و اجرای یک سیاست خاص مردم را در جریان آن مسئله قرار دهند و با نظرسنجی و یا افکارسنجی همه جوانب آن را در نظر بگیرند و در تصمیم‌گیری و اجرا، انتظارات ذی‌نفعان را نیز لحاظ کنند.

سوم. مشورت

یکی از روش‌های حکمرانی مشارکتی، استفاده از روش مشورت و فراهم نمودن محیط مشاوره با مردم می‌باشد. این مسئله در متون اسلامی، آیات و روایت‌های متعدد نیز، تأکید فراوان شده است. خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ و یا در سوره شوری آیه ۳۸ می‌فرماید: «و امرهم شوری بینهم». انسان در هر شرایطی باید با افراد عاقل مشورت کند و از راهنمایی‌ها و راهکارهای آنان استفاده لازم را ببرد تا در زندگی اجتماعی، فردی و سازمانی، همواره تصمیم‌های درست و مناسبی اتخاذ کند و زمینه رشد اجتماعی، فردی و سازمانی را فراهم کند؛ بنابراین لازم‌ترین اتخاذ بهترین تصمیم، مشورت با کسانی است که دارای علم و آگاهی لازم باشند (موسوی کاشی و دیگران، ۱۳۹۷). در

این روش حکمرانان قبل از اتخاذ تصمیم نهایی در مورد موضوع‌های مختلف نظر مشورتی افراد جامعه را جویا می‌شود. افراد می‌توانند اعتراض‌ها، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را به آنان ارائه دهند، هر چند که این مشورت می‌تواند از طریق نمایندگان منتخب مردم صورت گیرد. البته دیدگاه‌های افراد، حکمرانان را محدود نمی‌کند و تصمیم نهایی را خودشان اتخاذ می‌کند (کرمی، ۱۳۹۶)؛ اما، مشورت بخشی جدایی‌ناپذیر در تصمیم‌گیری است. وقتی افراد فرصتی برای گفتگو با یکدیگر داشته باشند، می‌توانند اطلاعات خاص خود را به اشتراک بگذارند و به تصمیم جمعی بهتری برسند (Iaryczower & et al., 2018).

چهارم. تصمیم‌گیری جمعی

تصمیم‌گیری جمعی زیرمجموعه رفتار جمعی است که مربوط به چگونگی رسیدن به تصمیم‌گیری در جمع است و تقریباً همه جنبه‌های رفتار را می‌توان در یک تصمیم‌گیری در نظر گرفت (Bosel & et al., 2017; Makinson & et al., 2017). تصمیم‌گیری جمعی فرایندی است که به موجب آن اعضای یک گروه با همفکری درباره یک اقدام تصمیم می‌گیرند (de Oca & et al., 2011). در تعریف دیگری، تصمیم‌گیری جمعی به دو یا چند بازیگر مربوط می‌شود که برای دستیابی به بهبود وضعیت خود از طریق تحقق بخشیدن به هدفشان، در مورد یک مسئله خاص هماهنگ می‌شوند (Gerrits & Marks, 2017)؛ بنابراین، یک فرایند تصمیم‌گیری جمعی را می‌توان به‌عنوان یک حالت تصمیم‌گیری تعریف کرد که در آن: ۱- دو یا چند نفر وجود دارد که هر یک از آنها دارای ادراک، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و شخصیت‌های خاص خود هستند؛ ۲- کسانی که وجود یک مشکل مشترک را تشخیص می‌دهند و ۳- برای رسیدن به یک تصمیم جمعی تلاش می‌کنند (Bui, 1987). علاوه‌براین، این گروه می‌تواند به‌طور همزمان با هم تعامل داشته باشند یا تصمیم‌های فردی را به‌طور جداگانه اتخاذ کند و سپس به‌طور جمعی در مورد نتایج آن به گفتگو بپردازند (میرباقری؛ رفیعی آتانی و پارسا نژاد، ۱۴۰۰).

در نتیجه، فرایند تصمیم‌گیری جمعی، می‌تواند به‌عنوان فرایندی تعریف شود که گروهی از افراد با توجه به نظرها یا ترجیح‌هایشان، سعی در دستیابی به یک راه‌حل مشترک برای یک مسئله تصمیم‌گیری با چندین گزینه دارند (Wu & et al., 2017). در این فرایند، آنها می‌خواهند ترجیح‌ها و اعتقادهای خود را در مورد آن مسئله مطرح کنند. فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی را می‌توان به‌عنوان فرایندهای تکاملی در نظر گرفت (Marks & et al., 2019). مشارکت مردم با استفاده از روش

تصمیم‌گیری جمعی می‌تواند بسیار به فرایند سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری در حکمرانی کمک کند.

پنجم. تولید ادبیات مشترک

طبق مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان، محقق به این نتیجه رسید که برای اجرایی شدن حکمرانی مشارکتی در کشور باید از روشی مثل تولید ادبیات مشترک استفاده کرد؛ مثلاً در حوزه نظارت و ارائه بازخورد از عملکرد کارکنان دولتی باید ادبیات مشترکی ایجاد کرد که درک مردم از مفاهیمی مانند عملکرد، نظارت و بازخورد یکسان باشد تا بتوانند در یک کار مشارکتی از آن بهره گیرند.

ممکن است ادبیات مشترک با وضع قوانین یا تولید محتوای علمی ایجاد شود. در صورتی که ادبیات مشترک ایجاد شود، افراد می‌توانند به عقلانیت مشترک نیز دست یابند. منظور از عقلانیت مشترک، عقلانیت شناختی و عقلانیت عملی است که ایجاد مفاهیم مشترک می‌کند (رفیعی آتانی، ۱۳۹۶). با وجود ادبیات مشترک تعیین اهداف و برنامه‌ریزی راحت‌تر انجام می‌شود. همچنین، ادبیات مشترک باعث ایجاد مجموعه‌نگری می‌شود و انگیزه‌های مشابهی در افراد ایجاد می‌کند. البته با گذشت زمان، همکاری بین افراد منجر به خلق ادبیات مشترک می‌شود، یعنی دو یا چند نفر با مهارت‌های مختلف با یکدیگر کار می‌کنند تا به یک درک مشترکی برسند که هیچ‌کدام از آنها قبل از آن چنین درکی نداشته‌اند. این اتفاق ذیل دو موضوع با هم کار کردن و اشتراک هدف یا دید مشترک ایجاد می‌شود (رحیمی و فتاحی، ۱۳۸۶).

ششم. شبکه‌سازی و گروه‌سازی

گروه مجموعه‌ای از افراد است که هدف اصلی آنها همکاری برای انجام یک وظیفه مشترک است. گروه‌سازی در حوزه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی باعث درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های مختلف می‌شود و به افراد انگیزه می‌دهد تا برای دستیابی به اهداف گروه کمک کنند، استعدادهای خود را به کار گیرند و در مسئولیت کار شریک شوند. استفاده از گروه‌ها می‌تواند کیفیت تصمیم‌ها و اجرای آنها را بهتر کند. گروه‌سازی اقدام مهمی است که جهت آماده‌سازی افراد برای کمک به ارکان حکمرانی استفاده می‌شود (Lloyd & et al., 2013). حکمرانان در موضوع‌ها و مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و مذهبی می‌توانند اقشار مختلف مردم را در قالب گروه‌های هدفمند به صحنه بیاورند و در جهت اهداف حکمرانی در بخش‌های مختلف استفاده کنند.

هفتم. اشتراک اطلاعات

وقتی اعضای جمع فرصتی برای گفتگو با یکدیگر داشته باشند، می‌توانند اطلاعات خاص خود را به اشتراک بگذارند و به تصمیم جمعی بهتری برسند (Iaryczower & et al., 2018). به اشتراک‌گذاری اطلاعات در سیستم‌های جمعی از طریق تعامل مستقیم و غیرمستقیم بین عوامل محقق می‌شود (Khaluf & et al., 2017). این تعامل و اشتراک اطلاعات باعث ایجاد همکاری بین افراد و توزیع مسئولیت‌ها می‌شود.

هشتم. کار جمعی

مشارکت در کار جمعی بر اساس تعامل‌ها بین افراد است. افراد از طریق این تعامل‌ها تمایل خود را برای انجام کار منتقل می‌کنند، با هم کار می‌کنند و بر دیگران تأثیر می‌گذارند، اطلاعات را به اشتراک گذاشته و روابط نزدیک برقرار می‌کنند و دانش، مهارت و توانایی‌های خود را ترکیب می‌کنند (Kravchenko, 2018). کار جمعی داوطلبانه و نظام‌مند را تعاون گویند (ملکی، ۱۳۷۵). لغت تعاون که از زبان عربی گرفته شده است و معادل فارسی آن همکاری، به معنی یکدیگر را یاری کردن، به هم‌رساندن، هم‌دستی، یاری و دستگیری است.

۵-۲. ابزارهای اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی

این یافته‌ها در پاسخ به سؤال دوم پژوهش ارائه می‌شود و ۱۰ ابزار اجتماعی فرهنگی حکمرانی مشارکتی به شرح زیر شناسایی شده است:

اول. رسانه‌های اجتماعی

محقق در گفتگو با خبرگان به این نتیجه رسید که در سال‌های اخیر، یکپارچگی فزاینده‌ای در فضای مجازی ایجاد شده است که به کاربران امکان می‌دهد درباره موضوع‌های مورد علاقه خود، از جمله سیاست بحث کنند. نخستین مشارکت‌ها در اظهارنظر نسبت به پست‌های خبری، توجه به رسانه‌های برخط را به مثابه یک حوزه عمومی شکوفا (مدنی و مشارکتی) جلب کرد و این، در فرایند گفتگوی سیاسی عمیق‌تر شد. رسانه‌های اجتماعی، بی‌تردید ظرفیت زیادی برای پاسخگویی به نیازهای شهروندان دارند و این واقعیت، در شرایط کنونی نارضایتی و پیش‌بینی ناپذیری سیاسی بسیار اهمیت می‌یابد.

از نظر سیاسی، اثرات سودمندی را می‌توان تشخیص داد:

الف. آنها به کثرت‌گرایی بیشتر گفتمان سیاسی کمک می‌کنند.

ب. مشارکت عمومی بیشتر را سهولت می‌بخشد و به شهروندان اجازه می‌دهند

قدرت را مورد کنترل و نظارت قرار دهند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت کنند.

پ. اطلاعات بیشتری را تولید و ارائه می‌کنند.

ت. قالب‌های جدیدی را برای انتقال محتوای سیاسی فراهم می‌آورند. حتی در این صورت، انقلاب ایجاد شده از طریق رسانه‌ها، پیچیده است و در سطوح بی‌شماری قرار دارد.

این سیستم‌ها همواره در حال رشد هستند و فرایندها و کارکردها را تغییر می‌دهند. این نوع تکامل را می‌توان در پویایی مداوم مورد استفاده در دستورالعمل‌های به‌کاررفته مشاهده کرد. از این طریق پیشرفت‌های بسیاری در توسعه محاسبات اعمال شده در وب به چشم می‌خورند چنان‌که می‌توان تنظیماتی را که گوگل در مرورگرها و پلتفرم‌های خود مانند یوتیوب اعمال کرده است، زیر نظر گرفت. این امر از یادگیری ساده ماشین تا شبکه‌های عصبی و هوش مصنوعی پیچیده را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توانند با تحلیل انتخاب‌های افراد مشارکت آنان را نیز به سمت موردنظرشان جهت‌دهی کنند (ژسوس سرانوکانتراس و دیگران، ۱۳۹۹).

دوم. نوآوران اجتماعی

در این روش نخبگان جامعه در پی کشف مسائل و معضل‌های اجتماعی هستند و برای مشکلات موجود جامعه راه‌حل ارائه می‌کنند. خروجی نوآورهای اجتماعی کشف مسائل اجتماعی، اشتراک اطلاعات و پیدا کردن راه‌حل‌های بهینه برای آنان است. هدف نوآوران اجتماعی ارزش‌آفرینی برای جامعه است. نوآوران اجتماعی در حقیقت به‌دنبال راهکارهای مبتکرانه برای حل مشکلات اجتماعی هستند (Meyer, 2022). نوآوری اجتماعی نسبت به راهکارهای قبلی اثربخش‌تر، کارا تر و پایدارتر است و به‌جای افراد، برای کل جامعه ارزش و منفعت خلق می‌کند. درحقیقت نوآوری اجتماعی به راهکارها، راهبردها یا مفاهیمی اطلاق می‌شود که مشکلات و نیازهای جامعه را نسبت به راهکارها و روش‌های قبلی به شیوه مناسب‌تری برطرف می‌کنند (سعدآبادی، ۱۳۹۵).

از آنجاکه نوآوران اجتماعی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند، فرصت‌های متفاوتی را پیگیری می‌کنند و احتمالاً قالب‌های متفاوتی را برای پیاده‌سازی نوآوری‌های خود انتخاب می‌کنند. این راه‌حل‌ها به حکمرانان ارائه می‌شود و آنها می‌توانند از این نظرها و پیشنهادها در سیاست‌گذاری و اجرا استفاده کنند. نوآوران اجتماعی همان خواص جامعه هستند که سرمایه اجتماعی زیادی هم به‌دنبال خودشان هستند.

سوم. گروه‌های جهادی

گروه‌های جهادی یکی از انواع سازمان‌های مردم‌نهاد است که نقش بسیار پررنگی در برطرف کردن مشکلات کشور و انجام امور عام‌المنفعه برعهده دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت گروه‌های جهادی، متشکل از گروهی از افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به‌صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه با تشکیلات سازمان‌یافته، در جهت اهداف و موضوع‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه‌ای، تخصصی و صنفی فعالیت می‌کنند.

استفاده از ظرفیت‌های مشارکت‌ساز گروه‌های جهادی، مسیر روشنی را در جهت توسعه روستاها، به‌ویژه در مناطق محروم ایجاد می‌کند. یکی از دلایل پیدایش این تشکلهای ناکارآمدی برخی از سازمان‌های دولتی در انجام امور بوده است. مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه اجتماع‌محور به‌عنوان سازمانی داوطلبانه و غیرانتفاعی، حکایت از پیدایش تمرکززدایی، تفویض اختیار در سطح تصمیم‌گیری و مدیریت محلی دارد که درنهایت به حذف دیوان‌سالاری در سطح ملی می‌انجامد.

در کشور ما تعداد کثیری از گروه‌های جهادی همگام با سیاست‌ها و اقدام‌های دولتی، همه‌ساله در قالب فعالیت‌های تبلیغی و عمرانی به روستاها و شهرستان‌های کم‌برخوردار و نیمه‌برخوردار کشور هجرت کرده و به‌صورت خودجوش و داوطلبانه، با انجام فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی، سعی در بهبود زندگی مردم دارند (فیروزآبادی و جعفری، ۱۳۹۵).

چهارم. سامانه انتقادات و پیشنهادات

طبق نظر خبرگان، راه‌اندازی سامانه انتقادات و پیشنهادات در ارکان مختلف حکمرانی، می‌تواند اطلاعات و بازخوردهای خوبی را درباره نحوه عملکرد بخش‌های مختلف حکمرانی ارائه کند و در موضوع نظام ارزیابی عملکرد نیز استفاده شوند. همچنین، به دلیل اینکه مردم ذی‌نفعان اصلی حکمرانی محسوب می‌شوند، ممکن است پیشنهاداتی خوبی ارائه شود که در رفع نواقص و چالش‌ها بسیار راهگشا باشد. به‌نظر می‌رسد این‌گونه سامانه‌ها، در دنیای کنونی یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در رفع ناکارآمدی‌ها و افزایش بهره‌وری در مجموعه‌های مختلف می‌باشد و به دلیل ثبت دیدگاه‌های مردم و پیگیری مسائل آنان به‌خوبی می‌تواند در جهت افزایش مشارکت و جلب رضایت مردم، مؤثر باشد.

نیاز است که این سامانه‌ها از طریق مراجع ذی‌صلاح کنترل و مدیریت شود تا اقدام‌ها و اصلاحات لازم در صورت نیاز، صورت گیرد. در جهت رونق این مرکز می‌توان کسانی را که پیشنهاد کاربردی و مفید ارائه می‌کنند تشویق کرد یا از آنها در مسیر



پیاپیاده‌سازی پیشنهاد کمک گرفت. این‌گونه سامانه‌ها در سایر کشورها از قبیل ژاپن نیز استفاده شده و پس از مدت کوتاهی موردتوجه مدیران قرار گرفته است. نیازی نیست که تمام نظراتی که ارائه می‌شود تخصصی باشند، بلکه تجربه نشان داده است که گاهی اوقات پیشنهاد خام و ساده یک فرد منجر به ایجاد تحولی عظیم و آغاز طرح‌های بزرگ شده است (میرباقری؛ نیلی‌پور و یوسفی، ۱۳۹۲). این روش می‌تواند از طریق صندوق‌های انتقادات و پیشنهادها، نرم‌افزارها، سامانه پیامکی و تارنماهای انتقاد و پیشنهاد در بخش‌های مختلف اجرایی شود.

پنجم. سکوها‌ی مجازی

طبق مصاحبه‌های انجام‌شده، خبرگان معتقدند که سکوها‌ی مجازی بستری برای اعلام‌نظر و بازخورد در فضای مجازی نسبت به فعالیت‌های جاری یک نهاد حکمرانی ایجاد می‌کند. هدف عمده برای ایجاد چنین پلتفرم‌هایی کمک به حل مشکلات در سطح یک نهاد حکمرانی، ارتباط مستقیم مسئولان با شهروندان، بهبود کارایی در حوزه‌های مختلف، تشویق مردم به بازخورد دادن نسبت به فعالیت‌ها، و ایجاد فضایی برای ارائه ایده‌ها در فضای عمومی است.

این پلتفرم‌ها عموماً در بستر یک نرم‌افزار بر روی گوشی نصب می‌شود و افراد می‌توانند خیلی سریع از موضوعات اطلاع پیدا کنند و نسبت به آن واکنش نشان دهند. به دلیل اینکه این پلتفرم‌ها در جهان بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پلتفرم‌ها حتی برای مشارکت بین‌بخشی (فرا بخشی)^۱ نهادهای مختلف حکمرانی نیز می‌تواند استفاده شود. در این‌صورت نهادهای مختلف می‌توانند نیازمندی‌ها و توانمندی‌های خود را در حوزه‌های مختلف اعلام کنند و از سایر نهادها کمک بگیرند یا به آنها کمک کنند.

ششم. بازی وارسازی

بازی‌وارسازی^۲ انگیزه مشارکت افراد در زمینه‌های مختلف را افزایش می‌دهد. با استفاده از بازی‌وارسازی می‌توان تصمیم‌ها و رفتار افراد جامعه را فهم کرد و متناسب با آن سیاست‌های بهینه را اتخاذ کرد. همچنین، در قالب بازی‌وارسازی می‌توان بسیاری از مفاهیم و ارزش‌هایی که زمان‌بر هستند یا در مقابل آن مقاومت می‌شود را به جامعه انتقال داد (Deterding & et al., 2011). بازی‌وارسازی کاربرد گسترده‌ای دارد و به‌طورکل در مواقعی استفاده می‌شود که تصمیم‌گیران در نظر دارند تا کاربران

1. Cross-Sector
2. Gamification

را با اهداف خود همراه سازند. این بدان معناست که بازی‌وارسازی این امکان را به تصمیم‌گیران می‌دهد تا به سادگی الگوی مدنظر خود را به صورت ناخودآگاه در ذهن جامعه قرار دهند. بازی‌وارسازی یکی از انواع فناوری‌های متقاعدکننده است که به دلیل ظرفیت بالای خود در جذب مشارکت عمومی، مورد توجه دولت‌هاست (Robson & et al., 2015).

هفتم. متون آموزشی

متون آموزشی در اشکال مختلفی، از یادداشت‌های کلاسی گرفته تا معرفی چندین مرجع خارجی، در اختیار دانش‌آموزان، دانشجویان و حتی عموم مردم قرار می‌گیرد که می‌توانند کارایی‌های متفاوتی داشته باشند. یکی از کارایی‌های متونی که در مدارس و دانشگاه‌ها با مشارکت مدیران و اساتید آموزش داده می‌شود، فرهنگ‌سازی در جامعه است. البته متون آموزشی باید هدفمند و ساختارمند باشد تا بتواند جامعه را به نقطه مطلوب برساند. بهترین راه، برای تدوین متون درسی مؤثر بر درک و فهم خوانندگان، ساختارمند کردن متون درسی است (رشیدیان، ۱۳۸۱).

هشتم. هنر

از جمله خصلت‌های جمعی که امروزه، در شاخه‌های مختلف علم مورد توجه بسیاری قرار گرفته است، خلاقیت جمعی است. مطالعه خلاقیت جمعی از دریچه رویکرد اجتماعی - فرهنگی، نشان می‌دهد که شرایط بروز این نوع از خلاقیت در فضاهای عمومی به مثابه بازنمود عرصه عمومی فراهم است (زجاجی؛ طالب‌پور و رفیعیان، ۱۳۹۸).

باتوجه به جایگاه خلاقیت در هنر، مطالعات زیادی در رابطه با خلاقیت هنری انجام شده است. باوجوداین، نظر به ماهیت عمومی و جمع‌گرای هنر عمومی، پرداختن به جایگاه خلاقیت در این نوع از هنر نیازمند اتخاذ رویکردی گسترده‌تر از رویکرد معمول خلاقیت هنری فردی است. در میان شاخه‌های مختلف هنری، هنر عمومی به عنوان هنری مخاطب‌محور و جمع‌گرا بیش از سایر شاخه‌ها بر ارتباطات انسانی مبتنی بوده و با اهداف مرتبط با توسعه ویژگی‌های جمعی تناسب دارد؛ چراکه این نوع هنر، نه صرفاً با رویکرد هنر برای هنر و نه برای مخاطبان فعال در دنیای هنر، بلکه با رسالت اجتماعی و برای مخاطبان گسترده و متنوع خلق می‌شود. جمع‌گرایی این نوع از هنر موجب می‌شود که تقویت مهارت‌های جمعی مختلف را نیز در غالب رسالت خود پوشش دهد (زجاجی؛ طالب‌پور و رفیعیان، ۱۳۹۸).

ابزار هنری، واسطه مؤثر در تحقق معنای اثر هنری است. نوع و شیوه تهیه این ابزار نیز متأثر از هستی‌شناسی هنرمندان است. در هنرهای اسلامی، ابزار هنری و

آداب هنرمندی، از ممیزهای تأثیرگذار، در نتیجه کار هنری هستند. چگونگی مواد انتخابی برای ساخت ابزار، همچنین التزام به آداب انجام کار، مقوم روح معنوی در هنر اسلامی است (یاسینی، ۱۳۹۴).

نهم. امر به معروف و نهی از منکر

به دلیل تأثیری که فرد بر محیط می‌گذارد و تأثیری که می‌پذیرد، یک مسلمان باید نقش فعالی در کنش‌های اجتماعی ایفا کند. امر به معروف و نهی از منکر یکی از روش‌های مهم برای جلوگیری از اشتباه مسئولان و تشویق آنان در مسیر صحیح است. این روش در دین اسلام بسیار تأکید شده و نه تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به‌شمار می‌آید. محدوده امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف واجد شرایط را دربرمی‌گیرد؛ اما متأسفانه در بسیاری از مواقع مورد غفلت قرار می‌گیرد و ریشه بسیاری از مفاسد نیز به عدم اجرای این فریضه برمی‌گردد. در قرآن کریم نیز به‌صراحت بر انجام امر به معروف و نهی از منکر تأکید شده است:

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ، وَامْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ ای فرزندم نماز به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و (بر این کار از مردم نادان آزار بینی) صبر پیشه کن که این صبر و تحمل در راه تربیت و هدایت خلق، نشانه‌ای از تصمیم (راسخ) در امور عالم است (لقمان / آیه ۱۷).

بر طبق آیه شریفه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و بر اساس اصل هشتم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی به حساب می‌آید و مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت مسئولیت دارند. امر به معروف و نهی از منکر در مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌تواند دو نقش بازدارندگی (پیشگیری) و درمان (رشد) را ایفا کند.

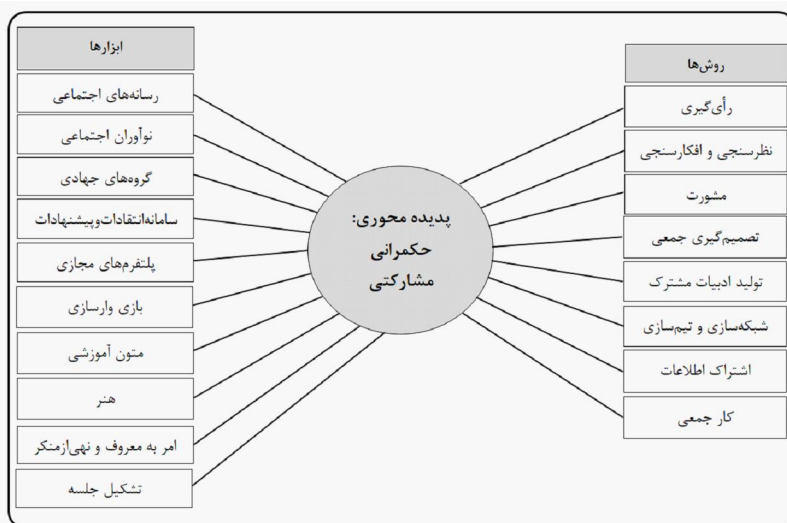
در صورتی که فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر با مشارکت مردم در جامعه رواج یابد، به مرور آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی در بین مردم از بین می‌رود. اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات تا حدی است که بسیاری از فقها این فرع دینی را از سویی مبنای انقلاب علیه حکومت‌های استبدادی و ایجاد نظام اسلامی و از سوی دیگر مهم‌ترین راهکار دوام و قوام حکومت می‌دانند (طلائی و اصلانی، ۱۳۹۴). در اصل هشتم قانون اساسی آمده است، در جمهوری اسلامی ایران

دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

دهم. تشکیل جلسه‌های گفتگو و مشورت

یک جلسه گروهی ساختاری است که در آن تصمیم‌گیرندگان در مجاورت یکدیگر فعالیت می‌کنند و برای یک مدت زمان مشخص، به‌طور صریح یا کلامی تعامل دارند (Bui, 1987). هنگامی که جلسه‌ای تشکیل می‌شود فضایی فراهم می‌شود تا افراد بتوانند ایده‌ها و دیدگاه‌های خود را در خصوص مسائل مختلف مطرح کنند و به اجماع برسند. این جلسات می‌تواند به‌صورت حضوری یا مجازی باشد و زمینه را برای تصمیم‌گیری جمعی یا کار جمعی فراهم می‌کنند. ممکن است این جلسات در قالب نشست‌های دوره‌ای و در مکان‌هایی مانند تالارهای گفت‌وگو انجام شود.

بنابر توضیح‌های ارائه شده، پدیده محوری این مقاله حکمرانی مشارکتی است و می‌توان مضامین ذکر شده را در قالب یک الگو با ۸ روش و ۱۰ ابزار، به‌صورت شکل (۲) نشان داد.



(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

شکل (۲): روش‌های حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن

نتیجه‌گیری

دولت‌ها با مسائل و معضل‌های اجتماعی و فرهنگی پیچیده و متعددی مواجه‌اند. رویکرد حکمرانی مشارکتی یکی از رویکردهای موفق حکمرانی در جهان است که می‌تواند بسیاری از معضلات و مشکلات اجتماعی را برطرف کند و زمینه رشد را برای جامعه فراهم آورد. جهت اجرای حکمرانی مشارکتی در کشور، استفاده از روش‌ها و ابزارهای مناسب از ضروریات است. به‌منظور استفاده بهینه از این روش‌ها و ابزارها باید شناخت کافی از ابزارهای مورد نیاز وجود داشته باشد تا بتوان تشخیص داد که در موقعیت‌های مختلف از چه ابزارها و روش‌هایی استفاده کرد. در صورتی که این شناخت حاصل نشود عملاً استفاده از ظرفیت مشارکت مردمی در فرایند حکمرانی غیرممکن می‌شود. به‌همین دلیل، با استفاده از مصاحبه با خبرگان و پیشنهاد پژوهش، روش‌های بالقوه و بالفعل حکمرانی مشارکتی و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن در کشور بررسی شده است. ابزارهای اجتماعی فرهنگی از اهمیت بسیاری در حکمرانی مشارکتی برخوردارند، زیرا می‌تواند مشارکت را در سبک زندگی جامعه با سرعت بیشتری ایجاد کند و پایداری آن را بیشتر نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد، ۸ روش شامل: رأی‌گیری، نظرسنجی و افکارسنجی، مشورت، تصمیم‌گیری جمعی، تولید ادبیات مشترک، شبکه‌سازی و تیم‌سازی، اشتراک اطلاعات و کار جمعی از مهم‌ترین روش‌های حکمرانی مشارکتی است. همچنین ۱۰ ابزار شامل: رسانه‌های اجتماعی، نوآوران اجتماعی، گروه‌های جهادی، سامانه انتقادات و پیشنهادات، پلتفرم‌های مجازی، متون آموزشی، هنر، امر به معروف و نهی از منکر، بازی‌وارسازی و تشکیل جلسه از جمله مهم‌ترین ابزارهای حکمرانی مشارکتی در کشور محسوب می‌شود. این ابزارها می‌تواند در خدمت حکمرانان و مردم قرار گیرد و رابطه دوسویه و قوی را برای پیشبرد اهداف ایجاد نماید. البته ممکن است هر کدام از این ابزارها در یک حوزه مشخص قابل استفاده باشد؛ اما مشارکت را در زمینه عمومی نماید و به‌عنوان یک توانمندساز و پشتیبان در مشارکت استفاده شوند. انجام مشارکت عمومی معنادار شامل جستجوی نظرهای عمومی در نقاط خاص در فرایند تصمیم‌گیری و در مورد موضوع‌های خاصی است که در آن، این نظرها برای کمک به شکل دادن به یک تصمیم جمعی یا کار جمعی است. سطح مناسب مشارکت در حکمرانی، بسته به ظرفیت تأثیر مشارکت بر یک تصمیم یا کار، اشکال مختلفی دارد.

با توجه به شکل مشارکت صورت گرفته، از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی برای

اطلاع‌رسانی به مردم، ایجاد نظرهای عمومی، انجام تعاونی کارها و در برخی موارد، ایجاد اجماع و رسیدن به توافق استفاده می‌کند؛ مثلاً ممکن است برای تشویق مردم برای بازسازی خانه‌های زلزله‌زدگان از گروه‌های جهادی استفاده شود؛ اما برای حل آسیب‌های اجتماعی از نوآوران اجتماعی برای ارائه یک راه‌حل مناسب استفاده شود. این پژوهش همراستا با پژوهش‌های متعددی است که ایجاد مشارکت را یکی از رویکردهای موفق در حکمرانی جهت برطرف شدن تعارض‌های مردم با دولت و حل مشکلات اجتماعی معرفی کرده است؛ اما شکافی که در پژوهش‌های قبلی وجود دارد این است که نحوه مشارکت و چگونگی روش مشارکت و ابزارهای آن را شفاف نکرده‌اند و به بیان گزاره‌های کلی بسنده کرده‌اند. این پژوهش از این جهت اهمیت دارد که این شکاف را پر می‌کند و روش‌ها و ابزارهای ایجاد مشارکت در فضای اجتماعی فرهنگی را به‌صورت یکپارچه شناسایی می‌کند. مشخص شدن ضرورت حکمرانی مشارکتی و روش‌ها و ابزارهای اجتماعی فرهنگی آن، می‌تواند یک راهبرد اساسی به حکمرانان و مدیران توصیه کند و آن استفاده از روش‌ها و ابزارهای حکمرانی مشارکتی متناظر با شرایط و موقعیت‌های مختلف جهت حل بهینه مسائل و مشکلات مختلف اجتماعی و دستیابی به عدالت و پیشرفت در جامعه می‌باشد. نتایج این مطالعه شامل محدودیت‌های زیر است:

۱- محدودیت زمانی باعث شد تا داده‌ها در یک مقطع زمانی و از طریق تحلیل محتوا جمع‌آوری شوند. درحالی‌که می‌توان به‌صورت تجربی تأثیر حکمرانی مشارکت را به‌صورت عملی در حل تعارض‌ها و آسیب‌های اجتماعی در دوره‌های زمانی مختلفی اندازه‌گیری و تحلیل کرد.

۲- از نظر تحلیل محتوا، استدلال در مورد اینکه چرا برخی مفهوم‌سازی‌ها مناسب تلقی می‌شوند ممکن است قانع‌کننده باشد.

اما ممکن است محدود به موارد شناسایی شده نباشد و در طول زمان و یا با پژوهش‌های دیگری، تغییر یابد. بااین‌حال، ممکن است این خطر را نشان دهد که پژوهش به‌طور کامل ابعاد موضوع مربوطه را در نظر نگرفته و می‌تواند منجر به تخمین اشتباه یافته‌ها شود.

۳- در بعضی از موارد مفهوم حکمرانی مشارکتی در بین مدیران به‌خوبی درک نشده است و این تصور اشتباه ممکن است آنها را دچار خطای شناختی کند. با توجه به مطالب بیان شده، پیشنهاد می‌شود:

الف. ابزارهای سیاسی و اقتصادی مشارکتی نیز شناسایی و بررسی شوند؛

ب. دلایل احتمالی حکومت‌گزیزی و مشارکت پایین برخی از اقشار مردم در ارکان حکمرانی شناسایی و آسیب‌شناسی شود؛

پ. بررسی شود در صورتی که از ظرفیت‌های مشارکت‌های مردمی در حکمرانی استفاده شود، چه دستاوردهایی را در حوزه اجتماعی فرهنگی به همراه خواهد داشت؛ مثلاً مشخص شود حکمرانی مشارکتی چه تأثیری در جهت برطرف کردن معضلات اجتماعی فرهنگی مانند بی‌حجابی، اغتشاش، اسراف و... خواهد داشت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آزادی، بهداد؛ حمیدی، کامبیز؛ اسلامبولچی، علیرضا؛ نیک‌نفس، جواد و بهروز بیات (۱۴۰۱). الگوی مناسب حکمرانی مشارکتی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مدیریت بحران شیوع بیماری‌های نوظهور. *توسعه آموزش جندی شاپور/هوز*، ۴۰ (۱۳)، ۱۴-۲۸.

آقای فیروزآبادی، سیدحسن و دهقان ده‌جمالی، حسن (۱۳۹۸). نقش مراجع عظام و حوزه‌های علمیه در دفاع مقدس و بهره‌گیری از آن در جنگ احتمالی آینده (با تأکید بر جنگ نرم). *مطالعات دفاعی/استراتژیک*، ۱۷ (۷۸)، ۵-۳۴.

تسلیمی، محمدسعید؛ امین، فرشته و حسن‌زاده، کاظم (۱۳۹۴). اولویت‌بندی موانع برنامه‌ریزی راهبردی در هیئت‌های مذهبی. *مدیریت اسلامی*، ۲۳ (۲)، ۸۳-۱۰۱.
جعفرزاده، مریم؛ قربان‌پور آرانی، حسین و زارعی، عباس (۱۴۰۱). نفرین در زبان عامیانه بر اساس روش تحلیل محتوا. *زبان پژوهی (علوم انسانی)*، ۱۴ (۱۴)، ۱۸۹-۲۱۲.
حبیبی، فاطمه و فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۴۰۰). اخلاق اقتصادی از نگاه قرآن کریم با رویکرد تحلیل محتوا. *مطالعات تفسیری*، ۱۲ (۱۲)، ۵۹-۸۰.

داودی، حمیدرضا؛ بخشایش اردستانی، احمد و عربیان، اصغر (۱۳۹۸). بررسی نقش‌های تقنینی و نظارتی مجلس شورای اسلامی و نقش آن در الگوی حکمرانی خوب. *پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام*، ۹ (۳)، ۲۰۷-۲۳۴.
دهقانی، لیلا، شکرانی، رضا و نقشینه ارجمند، حمیدرضا (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ادراک عدالت بر تصمیم‌گیری مدیران مبتنی بر آموزه‌های اسلامی. *مدیریت اسلامی*، ۱۹ (۲)، ۳۵-۶۴.

رحیمی، ماریه و فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۶). همکاری علمی و تولید اطلاعات: نگاهی

به مفاهیم و الگوهای رایج در تولید علمی مشترک. مطالعات کتابداری و سازمان‌دهی اطلاعات، ۱۸(۳)، ۲۳۵-۲۴۸.

رشیدیان، منوچهر (۱۳۸۱). بررسی کارایی آموزشی اشکال مختلف متون دروس علوم پایه پزشکی مورد استفاده دانشجویان پزشکی. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۲(۲)، (ویژه نامه پنجمین همایش کشوری آموزش پزشکی). رضایی‌زاده، کریم (۱۴۰۰). *حکمرانی و مدل‌های آن با نقش مدیریت دولتی و قانون*. تهران: عطران.

رضائی، مهران؛ امامی‌جمعه، سیدمهدی و بیدهندی، محمد (۱۳۹۶). ارائه نظریه وزن‌کشی ساحات انسانی در تحلیل الگوی تصمیم‌گیری بر مبنای آرای فلاسفه متعالیه. *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۵(۴)، ۶۵-۹۳.

رفیعی‌آتانی، عطاءالله (۱۳۹۶). *واقعیت و روش تبیین «کنش انسانی» در چارچوب فلسفه اسلامی، نظریه‌ای بنیادین در علوم انسانی*. تهران: انتشارات آفتاب توسعه. رمضانخانی، علی؛ الحانی، فاطمه؛ ودادهیر، ابوعلی و محمدخواه، فاطمه (۱۴۰۰). پیامدهای خشونت نوجوانان: مطالعه کیفی تحلیل محتوا در شهر رودسر. *مجله اپیدمیولوژی ایران*، ۱۷(۱)، ۶۸-۷۶.

زجاجی، نگار؛ طالب‌پور، فریده و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۸). هنر عمومی سبک نو به مثابه ابزار توسعه خلاقیت جمعی. *مبانی نظری هنرهای تجسمی*، ۸(۸)، ۶۵-۷۴. زندرضوی، سیده بهار؛ خانیکی، هادی؛ نصرالهی، اکبر و بوستانی، داریوش (۱۳۹۷). درخواست حکمرانی مشارکتی و پایداری منابع آب بررسی کیفی ادراک ارتباطی ذی‌نفعان آب‌های زیرزمینی دشت رفسنجان. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۲(۱)، ۴۴-۶۶.

زهدی، یعقوب؛ کلانتری، فتح‌اله و محرابی، نصراله (۱۳۹۴). *اصول رهنامه بسیج مستضعفین*. راهبرد دفاعی، ۱۳(۴۹)، ۷۹-۱۰۵.

ژسوس‌سرانو کانتراس، ایگناسیو؛ گارسیامارین، خاویر؛ جی. لونگو، اسکار؛ جهانشاهی، امید و چوپانیان، احمد (۱۳۹۹). ارزیابی گفتگوی سیاسی آنلاین: آیا دوقطبی شدن موجب تبادل نظر بیشتر می‌شود؟ *مطالعات ماهواره و رسانه‌های جدید*، ۲۵(۲)، ۱۱۵-۱۳۷.

سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۵). *چرخه حیات نوآوری‌های اجتماعی*. فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، ۴(۳)، ۶۹-۹۵.

سلطانی، محمدرضا (۱۳۹۷). احصاء ویژگی‌ها و معیارهای فرماندهی و مدیریت

مبتنی بر منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) (بر اساس روش تحلیل محتوا). مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، (۲)، ۶۹-۹۵.

شیرعلی، اسماعیل (۱۴۰۰). مفهوم‌شناسی مردمی‌سازی حکمرانی. حکمرانی متعالی، ۸(۲)، ۱۱-۳۰.

ضیغمی، رضا؛ باقری نسامی، معصومه؛ حق‌دوست اسکویی، سیده فاطمه و یادآورنیک روش، منصوره (۱۳۸۷). تحلیل محتوا. نشریه پرستاری/ایران، ۲۱(۵۳)، ۴۱-۵۲.

طلابکی، اکبر و اصلانی، فیروز (۱۳۹۴). بازخوانی مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر با نگاهی به حقوق بشر معاصر. حقوق/اسلامی، ۱۲(۱۲)، ۳۳-۵۰.

طوسی، حسینعلی و مهری، عباس (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر جذب نخبگان کشور به بسیج. مدیریت/اسلامی، ۱۹(۲)، ۱۰۵-۱۳۰.

عامری شهرابی، محسن و کاووسی، اسماعیل (۱۳۹۵). طراحی مدل فرهنگ کیفیت در حوزه آموزش با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا. فصلنامه آموزش در علوم/انتظامی، ۴(۱)، ۱-۲۰.

عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و افضل‌قادی، منا (۱۳۹۹). تحلیلی بر بایسته‌های تصمیم‌گیری مشورتی براساس آموزه‌های اسلامی. فصلنامه مدیریت/اسلامی، ۲۸(۲)، ۳۹-۷۶.

علی‌اکبری، حسن و رمضان‌ن، حسین (۱۳۹۱). بررسی پایه‌های نظری موضوع تصمیم‌گیری مبتنی بر اخلاق اسلامی. فصلنامه مدیریت/اسلامی، ۲۰(۱)، ۱۴۹-۱۷۵.

غفاری هاشجین، زاهد؛ مرشدی‌زاد، علی و خدادادی، هانیه (۱۳۹۱). نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی. دانش سیاسی، ۸(۲)، ۶۳-۸۲.

فیروزآبادی، سید احمد و جعفری، محسن (۱۳۹۵). مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماع‌محور روستایی «مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد». الگوی پیشرفت/اسلامی/ایرانی، ۴(۷)، ۱۵۳-۱۷۳.

قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲۳(۷)، ۵۷-۸۲.

قربانی، مهدی؛ آخوندی، محمدرضا؛ میرشمسی، هدایت‌اله و موسوی‌نیا، سیدحسین (۱۳۹۸). ارزیابی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در راستای استقرار حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان ابرکوه، استان یزد). مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی/ایران)، ۷۲(۷۲)، ۱۰۳۷-۱۰۴۷.

قربانی، مهدی؛ عوض‌پور، لیلا؛ یوسفی، محسن و حیدری کهنعلی، صادق (۱۳۹۷).

- ارزیابی خصوصیات ساختاری سرمایه اجتماعی شبکه ذی‌نفعان محلی در راستای حکمرانی مشارکتی منابع طبیعی (منطقه مورد مطالعه: شهرستان سراوان، استان خراسان جنوبی). مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران)، (۷۱)، ۲۴۱-۲۵۲.
- کرمی، هادی (۱۳۹۶). بررسی مسائل و مشکلات تصمیم‌گیری گروهی. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، (۶)، ۳۲۴-۳۳۷.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و احسانی‌راد، فاطمه (۱۳۹۴). مشارکت در امور خیریه و وقف، پیش‌درآمدی بر توسعه پایدار. مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، (۴)۳، ۲۵-۴۵.
- محمدی، نعیمه و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۹). الگوی حکمرانی مشارکتی توسعه انرژی تجدیدپذیر ایران: رویکرد نهادی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، (۳۰)۹، ۱۳۳-۱۵۵.
- معروفی، یحیی؛ یوسفزاده، محمدرضا و میرزایی‌فر، داوود (۱۳۹۷). مؤلفه‌های ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان. مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، (۲۳)۸، ۸۱-۱۱۶.
- ملکی، حسن (۱۳۷۵). آموزش روح تعاون. تعاون و کشاورزی، دوره جدید (۵۵)، ۱۰-۱۲.
- موسوی کاشی، زهره؛ پورمحمدی رودسری، رضا؛ جعفری، حسن؛ آرزو، صیاد و ابوالفضل، موفق (۱۳۹۷). تصمیم‌گیری مدیران حوزه سلامت با رویکرد اسلامی، مبانی نظری نگرش و رویکرد اسلام در فرایند تصمیم‌گیری. مجله پژوهش در دین و سلامت، (۳)۴، ۱۰۳-۱۱۷.
- میرباقری، سید محسن؛ رفیعی آتانی، عطاءالله و پارساانژاد، محمدرضا (۱۴۰۰). مروری نظام‌مند بر ادبیات تصمیم‌گیری جمعی. پژوهش‌های نوین در تصمیم‌گیری، (۳)۶، ۲۳۹-۲۵۸.
- میرباقری، سید محسن؛ نیلی‌پور، سید اکبر و یوسفی، ام‌البنین (۱۳۹۲). سرمایه‌گذاری در «مدیریت زنجیره تأمین مقاوم» رویکردی نوین برای مقابله با تحریم‌ها. اولین همایش ملی سرمایه‌گذاری و تولید.
- هاشمیان، سید محمدحسین و مولایی آرانی، مهدی (۱۳۹۴). الگوی هنجاری مشارکت حوزه علمیه در تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور از منظر مقام معظم رهبری. دین و سیاست فرهنگی، (۴)، ۲۳-۴۶.
- یاسینی، سیده راضیه (۱۳۹۴). تاریخمندی ابزار هنری و معنویت ابزار در هنر اسلامی. نگره، (۳۳)۱۰، ۲۱-۳۳.

- Altschuler, D. & Corrales, J. (2013). *The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala*. Springer.
- Åm, H. (2013). Don't make nanotechnology sexy, ensure its benefits, and be neutral: Studying the logics of new intermediary institutions in ambiguous governance contexts'. *Science and Public Policy*, 40(4), 466-478.
- Bashar, T. & et al. (2021). Major obstacles to public-private partnership (PPP)-financed infrastructure development in China. *Sustainability*, 13(12), 6718.
- Batory, A. & Svensson, S. (2019). The use and abuse of participatory governance by populist governments. *POLICY AND POLITICS*, 47(2), 227-244. <https://doi.org/10.1332/030557319X15487805848586>
- Bosel, T.; Reinal, A. & Marshall, J. A. R. (2017). Collective decision-making. *CURRENT OPINION IN BEHAVIORAL SCIENCES*, 16, 30-34. <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2017.03.004>
- Bui, T. X. (1987). A group decision support system for cooperative multiple criteria group decision making. *Lecture Notes in Computer Science, Berlin Heidelberg, Germany, Springer-Verlag*.
- Bussu, S.; Bua, A.; Dean, R. & Smith, G. (2022). Embedding participatory governance. *Critical Policy Studies*, 1-13.
- Camba, A. A. (2014). Participatory Governance in the EU Enhancing or Endangering Democracy and Efficiency? *GOVERNANCE-AN INTERNATIONAL JOURNAL OF POLICY ADMINISTRATION AND INSTITUTIONS*, 27(3), 536-538. <https://doi.org/10.1111/gove.12097>
- Chileshe, N. & et al. (2020) 'Critical success factors for Public-Private Partnership (PPP) infrastructure and housing projects in Kenya', *International Journal of Construction Management*, 1-12.
- de Oca, M. A.; Ferrante, E.; Scheidler, A.; Pincioli, C.; Birattari, M. & Dorigo, M. (2011). Majority-rule opinion dynamics with differential latency: a mechanism for self-organized collective decision-making. *SWARM INTELLIGENCE*, 5(3-4, 1, SI), 305-327. <https://doi.org/10.1007/s11721-011-0062-z>
- de Souza Vasconcelos, C. & Júnior, E. H. (2023). Forecasting exchange rate: A bibliometric and content analysis. *International Review of Economics & Finance*, (83), 607-628.
- Deterding, S.; Dixon, D.; Khaled, R. & Nacke, L. (2011). From game design elements to gamefulness: defining "gamification". *Proceedings of the 15th International Academic MindTrek Conference: Envisioning Future Media Environments*, 9-15.
- Dionne, S. D.; Sayama, H. & Yammarino, F. J. (2019). Diversity and Social Network Structure in Collective Decision Making: Evolutionary Perspectives with Agent-Based Simulations. *COMPLEXITY*. <https://doi.org/10.1155/2019/7591072>
- Emerson, K. & Nabatchi, T. (2015). Evaluating the productivity of collaborative governance regimes: A performance matrix. *Public Performance & Management Review*, 38(4), 717-747.
- Forde, C. (2020). Participatory governance in Ireland: Institutional innovation and the quest for joined-up thinking. *ADMINISTRATION*,

- 68(3), 1-20. <https://doi.org/10.2478/admin-2020-0013>
- Gerrits, L.; & Marks, P. (2017). *Understanding collective decision making: a fitness landscape model approach*. Edward Elgar Publishing.
- Halim, R. (2018). COLLABORATIVE GOVERNANCE MODEL IN THE VILLAGE FUND MANAGEMENT AT BANGGAI REGENCY (MODEL GOVERNANS KERJASAMA DALAM PENGURUSAN DANA KAMPUNG DI KABUPATEN BANGGAI). *ASIAN JOURNAL OF ENVIRONMENT, HISTORY AND HERITAGE*, 2(2).
- HIRSCH, S. & SHULMAN, L. C. (1976). PARTICIPATORY GOVERNANCE - MODEL FOR SHARED DECISION-MAKING. *SOCIAL WORK IN HEALTH CARE*, 1(4), 433-446. https://doi.org/10.1300/J010v01n04_04
- Horsley, J. P. (2009). Public participation in the people's republic: developing a more participatory governance model in China. *Retrieved July*, (30), 2010.
- Iaryczower, M.; Shi, X. & Shum, M. (2018). Can Words Get in the Way? The Effect of Deliberation in Collective Decision Making. *JOURNAL OF POLITICAL ECONOMY*, 126(2), 688-734.
- Jokar, E.; Aminnejad, B. & Lork, A. (2021). Assessing and prioritizing risks in Public-Private Partnership (PPP) projects using the integration of fuzzy multi-criteria decision-making methods. *Operations Research Perspectives*, (8), 100190.
- Khaluf, Y.; Ferrante, E.; Simoens, P. & Huepe, C. (2017). Scale invariance in natural and artificial collective systems: a review. *Journal of the Royal Society Interface*, 14(136), 20170662.
- Kravchenko, E. M. (2018). The role of leadership in the relationship between collective organizational efficacy and collective work engagement. *PSYCHOLOGY-JOURNAL OF THE HIGHER SCHOOL OF ECONOMICS*, 15(3, SI), 590-605. <https://doi.org/10.17323/1813-8918-2018-3-590-605>
- Krick, E. (2022). Participatory Governance Practices at the Democracy-Knowledge-Nexus. *Minerva*, 1-21.
- Lateef, H.; Gale, A.; Boyd, D.; Arab, H.; Amoako, E. & Williams, E.-D. (2022). African-Centered Social Work in the 21st Century: A Content Analysis. *Social Work*.
- Latif, S. (2018). MODEL COLLABORATIVE GOVERNANCE DALAM PENANGULANGAN KEMISKINAN DI DAERAH (Studi Kasus dalam Program Dusun Terpadu Mandiri di Boalemo Provinnsi Gorontalo). Proceedings of International Interdisciplinary Conference on Sustainable Development Goals (IICSDGs), 1(1), 131-143.
- Laughlin, P. R. (2011). Social choice theory, social decision scheme theory, and group decision-making. *GROUP PROCESSES & INTERGROUP RELATIONS*, 14(1), 63-79. <https://doi.org/10.1177/1368430210372524>
- Lloyd, A.; Joseph-Williams, N.; Edwards, A.; Rix, A. & Elwyn, G. (2013). Patchy 'coherence': using normalization process theory to evaluate a multi-faceted shared decision making implementation program (MAGIC). *IMPLEMENTATION SCIENCE*, 8.

- <https://doi.org/10.1186/1748-5908-8-102>
- Makinson, J. C.; Schaerf, T. M.; Wagner, N.; Oldroyd, B. P. & Beekman, M. (2017). Collective decision making in the red dwarf honeybee *Apis florea*: do the bees simply follow the flowers? *INSECTES SOCIAUX*, 64(4), 557-566. <https://doi.org/10.1007/s00040-017-0577-4>
- Marks, P.; Gerrits, L. & Marx, J. (2019). How to use fitness landscape models for the analysis of collective decision-making: a case of theory-transfer and its limitations. *BIOLOGY & PHILOSOPHY*, 34(1). <https://doi.org/10.1007/s10539-018-9669-4>
- Meyer, C. (2022). Social Innovation Governance in Smart Specialisation Policies and Strategies Heading towards Sustainability: A Pathway to RIS4? *Social Sciences*, 11(4), 150.
- Mohammadi, N. & Danaeefard, H. (2019). A Model of Collaborative Governance for Renewable Energy Development in Iran: an Institutional Perspective. *Quarterly Journal of Energy Policy and Planning Research*, 5(3).
- Po, J. Y. T. & Hickey, G. M. (2020). Cross-scale relationships between social capital and women's participation in decision-making on the farm: A multilevel study in semi-arid Kenya. *Journal of Rural Studies*, (78), 333-349.
- Robson, K.; Plangger, K.; Kietzmann, J. H.; McCarthy, I. & Pitt, L. (2015). Is it all a game? Understanding the principles of gamification. *Business Horizons*, 58(4), 411-420.
- Roper, B. W. (1986). Evaluating polls with poll data. *Public Opinion Quarterly*, 50(1), 10-16.
- Sadeghi, A.; Barati, O.; Bastani, P.; Daneshjafari, D. & Etemadian, M. (2020). Feasibility of implementing public-private partnership (PPP) in the development of hospital services and optimizing resource allocation in Iran. *Cost Effectiveness and Resource Allocation*, 18(1), 1-8.
- Schmitter, P. C.; Grote, J. & Gbikpi, B. (2002). *Participatory Governance. Political and societal implications*. Leske & Budrich, Opladen.
- Van Deemen, A. & Rusinowska, A. (2010). *Collective decision making: Views from social choice and game theory* (Vol. 43). Springer Science & Business Media.
- Waheduzzaman, W.; Van Gramberg, B. & Ferrer, J. (2018). Bureaucratic Readiness in Managing Local Level Participatory Governance: A Developing Country Context. *AUSTRALIAN JOURNAL OF PUBLIC ADMINISTRATION*, 77(2, SI), 309-330. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.12256>
- Wu, B.; Zhou, X.; Jin, Q.; Lin, F. & Leung, H. (2017). Analyzing Social Roles Based on a Hierarchical Model and Data Mining for Collective Decision-Making Support. *IEEE SYSTEMS JOURNAL*, 11(1), 356-365. <https://doi.org/10.1109/JSYST.2014.2386611>
- Xu, Y. (2019). Collective decision-making of voters with heterogeneous levels of rationality. *PUBLIC CHOICE*, 178(1-2), 267-287. <https://doi.org/10.1007/s11127-018-00627-7>

References

- Altschuler, D. & Corrales, J. (2013). The promise of participation: Experiments in participatory governance in Honduras and Guatemala. Springer.
- Åm, H. (2013). Don't make nanotechnology sexy, ensure its benefits, and be neutral: Studying the logics of new intermediary institutions in ambiguous governance contexts', *Science and Public Policy*, 40(4), 466-478.
- Ali Akbari, H. and Ramezani, H. (2011). Examining the theoretical foundations of decision-making based on Islamic ethics. *Islamic Management*, 20(1), 149-174. (In Persian)
- Akhundi, M. R.; Mirshamsi, H. & Moussavi nia, S. H. (2020). Assessment of Bonding Social Capital for Establishment of Collaborative Governance of Natural Resources (Case Study: AbarKuh District, Yazd Province). *Journal of Range and Watershed Managment*, 72(4), 1037-1047. doi: 10.22059/jrwm.2020.236711.1142 (In Persian)
- Ameri Shahrabi, M. & Kavossi, E. (2015). Designing a quality culture model in the field of education by using the content analysis method. *Education Quarterly in Law Enforcement Sciences*, 4(1), 1-20. (In Persian)
- Azadi, B.; Hamidi, K.; Eslambolchi, A.; Nikknafas, J. & Bayat, B. (2022). The Suitable pattern of participatory governance in the Ministry of Health and Medical Education in crisis management of emerging diseases. *Educational Development of Judishapur*, 13(1), 14-29. doi: 10.22118/edc.2021.301884.1869 (In Persian)
- Azimzadeh Ardabili, F. & Afzali Qadi. M. (2019). An analysis of the requirements of consultative decision-making based on Islamic teachings. *Islamic Management Quarterly*, 28(2), 39-76. (In Persian)
- Batory, A. & Svensson, S. (2019). The use and abuse of participatory governance by populist governments. *POLICY AND POLITICS*, 47(2), 227-244. <https://doi.org/10.1332/030557319X15487805848586>
- Bosel, T.; Reinal, A. & Marshall, J. A. R. (2017). Collective decision-making. *CURRENT OPINION IN BEHAVIORAL SCIENCES*, 16, 30-34. <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2017.03.004>
- Bashar, T. et al. (2021). Major obstacles to public-private partnership (PPP)-financed infrastructure development in China, *Sustainability*, 13(12), p. 6718.
- Bui, T. X. (1987). A group decision support system for cooperative multiple criteria group decision making. *Lecture Notes in Computer Science*, Berlin Heidelberg, Germany, Springer-Verlag.
- Bussu, S.; Bua, A.; Dean, R. & Smith, G. (2022). Embedding participatory governance. *Critical Policy Studies*, 1-13.
- Camba, A. A. (2014). Participatory Governance in the EU Enhancing or Endangering Democracy and Efficiency? *GOVERNANCE-AN INTERNATIONAL JOURNAL OF POLICY ADMINISTRATION AND*



- INSTITUTIONS, 27(3), 536-538. <https://doi.org/10.1111/gove.12097>
- Chileshe, N. et al. (2020) 'Critical success factors for Public-Private Partnership (PPP) infrastructure and housing projects in Kenya', *International Journal of Construction Management*, 1-12.
- Davoudi, H.; Bakshaish Ardestani A. & Arabian. A. (2018). Examining the legislative and regulatory roles of the Islamic Council and its role in the model of good governance. *Islamic World Political Research*, 9(3), 207-234. (In Persian)
- Dehghani, L.; Shokrani, R. & Nakhsine Arjamand, H. (2011). Investigating the impact of the perception of justice on managers' decision-making based on Islamic teachings. *Islamic Management*, 19(2), 35-64. (In Persian)
- De Oca, M. A., Ferrante, E.; Scheidler, A.; Pincirol, C.; Birattari, M. & Dorigo, M. (2011). Majority-rule opinion dynamics with differential latency: a mechanism for self-organized collective decision-making. *SWARM INTELLIGENCE*, 5(3-4, 1, SI), 305-327. <https://doi.org/10.1007/s11721-011-0062-z>
- De Souza Vasconcelos, C. & Júnior, E. H. (2023). Forecasting exchange rate: A bibliometric and content analysis. *International Review of Economics & Finance*, (83), 607-628.
- Deh jamali, H. & Aghaei Firoozabadi., S. (2019). The role of the great reliers and seminaries in the sacred defense and its use in the possible future war (with an emphasis on soft warfare). *Strategic Defense Studies*, 17(78), 5-34. (In Persian)
- Deterding, S.; Dixon, D.; Khaled, R. & Nacke, L. (2011). From game design elements to gamefulness: defining "gamification". *Proceedings of the 15th International Academic MindTrek Conference: Envisioning Future Media Environments*, 9-15.
- Dionne, S. D.; Sayama, H. & Yammarino, F. J. (2019). Diversity and Social Network Structure in Collective Decision Making: Evolutionary Perspectives with Agent-Based Simulations. *COMPLEXITY*. <https://doi.org/10.1155/2019/7591072>
- Emerson, K. & Nabatchi, T. (2015). Evaluating the productivity of collaborative governance regimes: A performance matrix. *Public Performance & Management Review*, 38(4), 717-747.
- Firouzabadi, S. A. & Jafari M. (2015). Studying the capabilities of religious-oriented indigenous non-governmental organizations in solving the challenges facing rural community-oriented development "Study case: Jahadi group of Talab Ebad". *Iranian Islamic Development Model*, 4(7), 153-173. (In Persian)
- Forde, C. (2020). Participatory governance in Ireland: Institutional innovation and the quest for joined-up thinking. *ADMINISTRATION*, 68(3), 1-20. <https://doi.org/10.2478/admin-2020-0013>
- Gaffari Hashjin, Z.; Morshedizad, A. & Khodadadi, H. (2013). The Role of Religious Processions (Hey'ats) of Tehran in the Process of the

- Victory of the Islamic Revolution. Bi-Quarterly Political Knowledge, 8(2), 63-82. doi: 10.30497/pk.2013.1330 (In Persian)
- Ganji, M.; Niazi M. & Ehsani Rad, F. (2014). Participation in charity work and dedication, a prelude to sustainable development. Socio-Cultural Development Studies, 3(4), 25-45. (In Persian)
- Ghaedi, M. R. & Golshani, A. (2016). Content Analysis Method: from Quantity-Orientation to Quality-Orientation. Psychological Methods and Models, 7(23), 57-82. (In Persian)
- Ghorbani, M.; avazpour, L. & heydari, S. (2018). Appraising the Structural Characteristics of Social Capital of Local Beneficiaries Network in Keeping with Collaborative Natural Resource Governance (Pilot: Sarayan County, South Khorasan Province). Journal of Range and Watershed Managment, 71(1), 241-252. doi: 10.22059/jrwm.2017.203990.995 (In Persian)
- Gerrits, L. & Marks, P. (2017). Understanding collective decision making: a fitness landscape model approach. Edward Elgar Publishing.
- Habibi F. & Fattahizadeh F. (2021). Economic Ethics from a Quranic Point of View with Content Analysis Approach. Interpretive Studies; 12 (46):59-80. (In Persian)
- Halim, R. (2018). COLLABORATIVE GOVERNANCE MODEL IN THE VILLAGE FUND MANAGEMENT AT BANGGAI REGENCY (MODEL GOVERNANS KERJASAMA DALAM PENGURUSAN DANA KAMPUNG DI KABUPATEN BANGGAI). ASIAN JOURNAL OF ENVIRONMENT, HISTORY AND HERITAGE, 2(2).
- HIRSCH, S., & SHULMAN, L. C. (1976). PARTICIPATORY GOVERNANCE - MODEL FOR SHARED DECISION-MAKING. SOCIAL WORK IN HEALTH CARE, 1(4), 433-446. https://doi.org/10.1300/J010v01n04_04
- Horsley, J. P. (2009). Public participation in the people's republic: developing a more participatory governance model in China. Retrieved July, (30), 2010.
- Iaryczower, M.; Shi, X. & Shum, M. (2018). Can Words Get in the Way? The Effect of Deliberation in Collective Decision Making. JOURNAL OF POLITICAL ECONOMY, 126(2), 688-734.
- Jafarzadeh, M.; Ghorbanpoor Arani, H. & Zare-ee, A. (2022). A Content Analysis of Themes in Persian Curses. ZABANPAZHUHI (Journal of Language Research), 14(43), 189-212. doi: 10.22051/jlr.2021.36003.2042 (In Persian)
- Jesus-Serrano, C.; Ignacio, G.; Xavier, G. Lunango, O.; Jahanshahi, O. & Choupanian, A. (2019). Evaluating online political dialogue: Does polarization lead to more exchange of opinions? Satellite and New Media Studies, 25(2), 115-137. (In Persian)
- Jokar, E.; Aminnejad, B. & Lork, A. (2021). Assessing and prioritizing risks in Public-Private Partnership (PPP) projects using the integration of fuzzy multi-criteria decision-making methods. Operations Research Perspectives, (8), 100190.

- Karmi, H. (2016). Examining issues and problems of group decision making. *Management and Accounting Studies Quarterly*, 6, 324-337. (In Persian)
- Khaluf, Y., Ferrante, E., Simoens, P., & Huepe, C. (2017). Scale invariance in natural and artificial collective systems: a review. *Journal of the Royal Society Interface*, 14(136), 20170662.
- Kravchenko, E. M. (2018). The role of leadership in the relationship between collective organizational efficacy and collective work engagement. *PSYCHOLOGY-JOURNAL OF THE HIGHER SCHOOL OF ECONOMICS*, 15(3, SI), 590-605. <https://doi.org/10.17323/1813-8918-2018-3-590-605>
- Krick, E. (2022). Participatory Governance Practices at the Democracy-Knowledge-Nexus. *Minerva*, 1-21.
- Lateef, H., Gale, A., Boyd, D., Arab, H., Amoako, E., & Williams, E.-D. (2022). African-Centered Social Work in the 21st Century: A Content Analysis. *Social Work*.
- Latif, S. (2018). MODEL COLLABORATIVE GOVERNANCE DALAM PENANGULANGAN KEMISKINAN DI DAERAH (Studi Kasus dalam Program Dusun Terpadu Mandiri di Boalemo Provinnsi Gorontalo). *Proceedings of International Interdisciplinary Conference on Sustainable Development Goals (IICSDGs)*, 1(1), 131-143.
- Laughlin, P. R. (2011). Social choice theory, social decision scheme theory, and group decision-making. *GROUP PROCESSES & INTERGROUP RELATIONS*, 14(1), 63-79. <https://doi.org/10.1177/1368430210372524>
- Lloyd, A., Joseph-Williams, N., Edwards, A., Rix, A., & Elwyn, G. (2013). Patchy 'coherence': using normalization process theory to evaluate a multi-faceted shared decision-making implementation program (MAGIC). *IMPLEMENTATION SCIENCE*, 8. <https://doi.org/10.1186/1748-5908-8-102>
- Makinson, J. C., Schaerf, T. M., Wagner, N., Oldroyd, B. P., & Beekman, M. (2017). Collective decision making in the red dwarf honeybee *Apis florea*: do the bees simply follow the flowers? *INSECTES SOCIAUX*, 64(4), 557-566. <https://doi.org/10.1007/s00040-017-0577-4>
- Marks, P.; Gerrits, L. & Marx, J. (2019). How to use fitness landscape models for the analysis of collective decision-making: a case of theory-transfer and its limitations. *BIOLOGY & PHILOSOPHY*, 34(1). <https://doi.org/10.1007/s10539-018-9669-4>
- Maroofi, Y., Yousef Zade, M. R., and Mirzaiefar, D. (2018). The Components of the Quality Evaluation of Curriculum of Undergraduate Course in Farhangian University. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 8(23), 81-116. (In Persian)
- Maleki, H. (1996). Teaching the spirit of cooperation. *Cooperation and agriculture*, 55. (In Persian)
- Meyer, C. (2022). Social Innovation Governance in Smart Specialisation Policies and Strategies Heading towards Sustainability: A Pathway to

- RIS4? Social Sciences, 11(4), 150.
- Mohammadi N. & Danaeefard H. A. (2019). Model of Collaborative Governance for Renewable Energy Development in Iran: An Institutional Perspective. Quarterly Journal of Energy Policy and Planning Research 2019; 5(3) :67-95 (In Persian)
- Mokhtarzadeh, N. & Elyasi, M. (2016). The Life Cycle of Social Innovations. Journal of Technology Development Management, 4(3), 69-95. doi: 10.22104/jtdm.2017.1532.1556 (In Persian)
- Moulai Arani, M. & Hashemian, S. M. H. (2014). The normative model of the seminary's participation in formulating and implementing the country's cultural policies from the perspective of the Supreme Leader. Bi-Quarterly Scientific Research Journal of Religion and Cultural Policy, 2(1), 23-46. (In Persian)
- Mousavi Kashi Z.; Pourmohammadi Roudsari R.; Jafari H.; Sayad A. & Movafagh A. (2018). Healthcare Managers' Decision-Making Adopting Islamic Approach: Theoretical Basis of Attitude and Approach of Islam in Decision-Making Process. 10; 4(3):103-17. (In Persian)
- Mirbagheri, S. M.; Rafiei Atani, A. O. & Parsanejad, M. (2021). A Systematic Literature Review of the Collective Decision-Making. Modern Research in Decision Making, 6(3), 239-258. (In Persian)
- Mirbagheri, S. M.; Nilipour S. A. and Yousefi. O. (2012). Investing in "resilient supply chain management" is a new approach to deal with sanctions. The first national investment and production conference. (In Persian)
- Po, J. Y. T. & Hickey, G. M. (2020). Cross-scale relationships between social capital and women's participation in decision-making on the farm: A multilevel study in semi-arid Kenya. Journal of Rural Studies, (78), 333-349.
- Rahimi, M. & Fatahi, R. (2007). Scientific collaboration and information production: A look at common concepts and patterns in collaborative scientific production. Library Studies and Information Organization, 18(3), 235-248. (In Persian)
- Rashidian, M. (2002). Investigating the educational effectiveness of different forms of basic medical science texts used by medical students. Iranian Journal of Education in Medical Sciences, 2(1 (series 7) (Special Issue of the Fifth National Conference on Medical Education)). (In Persian)
- Rafiei Atani, A. (2016). The reality and method of explaining "human action" in the framework of Islamic philosophy, a fundamental theory in human sciences. Aftab Tuseeh Publications. (In Persian)
- Ramezankhani, A. Alhani, F. Vedadhir, A. Mohammadkhah, F. (2021), Consequences of Adult Violence: A Qualitative Study on Content Analysis; 17(1) :68-76. (In Persian)

- Rezaei, M.; Emami Jom'ah, S. M. & Bidhendi, M. (2017). Measurement of Human Aspect Theory in Analyzing Decision-Making Patterns Based on the Ideas of Transcendental Philosophers. *Scientific Journal of Islamic Management*, 25(4), 65-93. (In Persian)
- Rezaizadeh, K. (2021). Governance and its models with the role of public administration and law. Atran Publications. (In Persian)
- Robson, K.; Plangger, K.; Kietzmann, J. H.; McCarthy, I. & Pitt, L. (2015). Is it all a game? Understanding the principles of gamification. *Business Horizons*, 58(4), 411-420.
- Roper, B. W. (1986). Evaluating polls with poll data. *Public Opinion Quarterly*, 50(1), 10-16.
- Sadeghi, A.; Barati, O.; Bastani, P.; Daneshjafari, D. & Etemadian, M. (2020). Feasibility of implementing public--private partnership (PPP) in the development of hospital services and optimizing resource allocation in Iran. *Cost Effectiveness and Resource Allocation*, 18(1), 1-8.
- Schmitter, P. C.; Grote, J. & Gbikpi, B. (2002). Participatory Governance. Political and societal implications. Leske & Budrich, Opladen.
- Shir Ali, E. (2021). The concept of popularization of governance. *Transcendent Governance*, 8(2), 11-30. (In Persian)
- Soltani, M. R. (2018). Identification of command and management Characteristics and criteria of based on Imam Khomeini's intellectual system. *Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 2(5), 69-95. (In Persian)
- Taslimi, M. S.; Amin, F. & Hassanzadeh, K. (2014). Prioritizing strategic planning obstacles in religious delegations. *Islamic Management*, 23(2), 83-101. (In Persian)
- Talabaki, A. & Aslani, F. (2016). The review of legal basis of the "commanding right and forbidding wrong" with regard to contemporary human rights. *Islamic Law*, 12(47), 33-50. (In Persian)
- Tousi, H. A. & Mehri, A. (2011). Factors influencing the country's elites to join Basij. *Islamic Management*, 19(2), 105-130. (In Persian)
- Van Deemen, A. & Rusinowska, A. (2010). Collective decision making: Views from social choice and game theory (Vol. 43). Springer Science & Business Media.
- Waheduzzaman, W.; Van Gramberg, B. & Ferrer, J. (2018). Bureaucratic Readiness in Managing Local Level Participatory Governance: A Developing Country Context. *AUSTRALIAN JOURNAL OF PUBLIC ADMINISTRATION*, 77(2, SI), 309-330. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.12256>
- Wu, B.; Zhou, X.; Jin, Q.; Lin, F. & Leung, H. (2017). Analyzing Social Roles Based on a Hierarchical Model and Data Mining for Collective Decision-Making Support. *IEEE SYSTEMS JOURNAL*, 11(1), 356-365. <https://doi.org/10.1109/JSYST.2014.2386611>
- Xu, Y. (2019). Collective decision-making of voters with heterogeneous levels of rationality. *PUBLIC CHOICE*, 178(1-2), 267-287.



- <https://doi.org/10.1007/s11127-018-00627-7>
- Yasini, S. R. (2014). Historicity of artistic tools and spirituality of tools in Islamic art. *Negreh*, 10(33), 21-33. (In Persian)
- Zand Razavi, B.; Khaniki, H.; Nasrollahi, A. & Boostani, D. (2018). Meaning Reconstruction of Participatory Water Governance: A Qualitative Review of Group Communication of Groundwater Beneficiaries of Rafsanzan Plain 1395- 1397. *Journal of Iranian Social Studies*, 12(4), 44-66. (In Persian)
- Zaighmi, R.; Bagheri Nasami, M.; Haqdoost Eskoui, S. F. & Yadavarnik Rosh, M. (2008). content analysis. *Iranian Journal of Nursing*, 21(53), 41-52. (In Persian)
- Zojaji, N.; Talebpour, F. & Rafieyan, M. (2020). New Genre of Public Art as a Means of Developing Collective Creativity. *Theoretical Principles of Visual Arts*, 4(2), 65-74. doi: 10.22051/jtpva.2020.25366.1054 (In Persian)
- Zohdi, Y.; Kalantari, F. & Mehrabi, N. (2015). The Principles of Basij's Doctrine. *Defence Studies*, 13(1), 79-105. (In Persian)

